

من مات متکم و هو متظن لهذا... انتم، کمن و هو مع القاتلیم فی لفظکم...

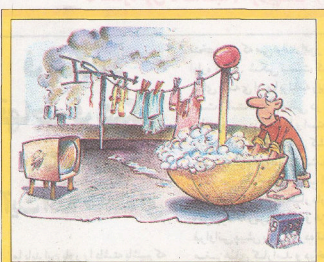
بسم الله الرحمن الرحيم... محضر مبارک مقام معظم رهبری - حضرت آية الله خامنه‌ای ادم الله...

سلام علیکم... احتراماً به استحضار میرساند: ما تمسای از تقاضای و هنرمندان رشته ای...

شأن دیگری که متناسب با نظام اسلامی ما باشد مستلزم تفکری دیگر است. مستلزم طرح مسأله به نحو دیگری است...

مسجد و غایت به امور فرهنگی

در فرمایشات ملکوتی امام خمینی (ره) آمده بود که مساجد سنگرند، سنگرها را بر...



آیا ماهواره سمبل تهاجم فرهنگی است؟

مهرا

شماره اول، سه شنبه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۶، ۲۰ تومان

اگر مهر را از خود بدانید

- در این شماره می خوانید: مهم: حادثه تیزری... پشه: شاعر... مرقدی در تبعید ابدی...

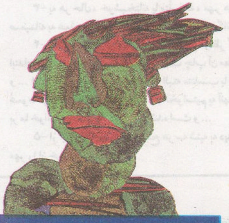
- سفرهای باغی موسیقی جهانی... گفت و گو با نادر ابراهیمی... برنامه هالیو برای... غای موسیقی کشور...

- نخستین ابواب... آثار نویسندگان... گفت و گو با... نمایشنامه نویسی...



حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به عنوان ناشر برگزیده سال ۱۳۷۵ انتخاب شد.

ممارست و فن قدری هم نمک وجود محمد رضا شریفی نیا



من از مسعود شجاعی می ترسم! در باره کاریکاتورهای مسعود شجاعی طباطبایی

شأن دیگری که متناسب با نظام اسلامی ما باشد مستلزم تفکری دیگر است. مستلزم طرح مسأله به نحو دیگری است...

پهروز افخمی: روایتی وجود دارد از حضرت رسول (ص): که: هر موجودی مقصدی دارد و مقصد انسان، مرگ است...

نمایشنامه نویسی نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی سراسری بین دانشجویان کشور برگزار...

دکتر محمد ربیعی: این سؤال مطرح است: در کشور ما که با یک هدف دیگر و یک انگیزه دیگر، نظام دیگری برپا کردیم...

دکتر رضا داوری اردکانی: یکی از گرفتاری های تاریخی ما این است که از صد سال پیش فردا و امروز را با هم اشتباه کرده ایم...

نمایشنامه نویسی و تشویق و حمایت از آنها این آثار را بررسی کرده و برترین آنها را معرفی می نماید...

دومین جشنواره موسیقی محلی ایران در کاناادا در دو شهر ونکو و مونترال در فوریه ۱۹۹۷ (روز ۷۶) با چهار گروه از استانهای فارس، خراسان، گیلان و کرمانشاه برگزار شد...

دومین جشنواره موسیقی محلی ایران در کاناادا در دو شهر ونکو و مونترال در فوریه ۱۹۹۷ (روز ۷۶) با چهار گروه از استانهای فارس، خراسان، گیلان و کرمانشاه برگزار شد...

دومین جشنواره موسیقی محلی ایران در کاناادا در دو شهر ونکو و مونترال در فوریه ۱۹۹۷ (روز ۷۶) با چهار گروه از استانهای فارس، خراسان، گیلان و کرمانشاه برگزار شد...

دومین جشنواره موسیقی محلی ایران در کاناادا در دو شهر ونکو و مونترال در فوریه ۱۹۹۷ (روز ۷۶) با چهار گروه از استانهای فارس، خراسان، گیلان و کرمانشاه برگزار شد...

دومین جشنواره موسیقی محلی ایران در کاناادا در دو شهر ونکو و مونترال در فوریه ۱۹۹۷ (روز ۷۶) با چهار گروه از استانهای فارس، خراسان، گیلان و کرمانشاه برگزار شد...

دومین جشنواره موسیقی محلی ایران در کاناادا در دو شهر ونکو و مونترال در فوریه ۱۹۹۷ (روز ۷۶) با چهار گروه از استانهای فارس، خراسان، گیلان و کرمانشاه برگزار شد...

برگزیده پنجمین جشنواره بین المللی عکس کودک و نوجوان سوره



هفته نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی • صاحب امتیاز: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی • مدیر مسئول: محمدعلی زم • زیر نظر شورای نویسندگان...

موضوعات اصلی این مسابقه حول دو محور ارزش نظام مقدس جمهوری اسلامی و دانشجویان و متنها می تواند برای دو مقطع سنی کودک و نوجوان و بزرگسال باشد...

موضوعات اصلی این مسابقه حول دو محور ارزش نظام مقدس جمهوری اسلامی و دانشجویان و متنها می تواند برای دو مقطع سنی کودک و نوجوان و بزرگسال باشد...

مصرف تولیدات داخلی = افزایش کیفیت + کاهش هزینه + تقویت قدرت ملی • شرکت دخایات ایران



نخستین بی مهری به مهر

به قلم مدیر مسئول

علی رزم قول مسعود معاون مترجم مطبوعاتی و مدیرکل مترجم نظارت نام مهر در لیست نشراتی که مجوز انتشارشان صادر شده بود، به چشم نمی خورد و دومین همچنان در کتابی پوئه پرو کراسی ماند و شش ماهه شد.

همه تلاشی بنده از طریق مذاکره و مکالمه با وزیر محترم، قائم مقام عزیز و معاون مطبوعاتی گرامی وزارت ارشاد در روزهای آخر سال گذشته به سرانجام نرسید و با نخستین بی مهری به دومین مجبور به حذف وعده شدیم. و شومندگی ما در برابر سؤال علاقمندان مهر از منتشر نشدن پیش شماره چهارم که وعده انتشار آن در پیش شماره سوم داده شده بود، و چندان شکر نداشتیم. اما در این خصوص صورت گرفت، آن دوستان معاونت مطبوعاتی درخواست مجوز چند پیش شماره کردیم. آنها نیز به امت نماندند، و با درخواست ما موافقت نمودند. پس از انتشار پیش شماره سوم مهر، طی نامه ای از سوی دبیرخانه هیئت نظارت بر مطبوعات، شرکت ایرانتاب بدلیل چاپ دومین پیش شماره مهر تریبخت بود، و این در شرایطی بود که چاپ دومین پیش شماره با نخستین و سومین آن تفاوتی نداشت و دوستان قبلاً با انتشار پیش شماره ها موافقت نموده بودند. پیش شماره چهارم نیز برای بیست و یکم اسفند ۷۵ آماده شد و نیز امور را طوری ترتیب دادیم تا شماره رسمی و عادی هفته نامه از نوزدهم فروردین ۷۶ مصادف با ایام شهادت سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی و روز هنر اسلامی انتشار یابد. که متأسفانه دوستان معاونت مطبوعاتی با پیش شماره چهارم موافقت نکردند و پیگیری های مکرر ما برای صدور مجوز مهر بی نتیجه ماند. همچنین علی رغم قول مساعد، معاون مطبوعاتی و نیز مدیرکل مترجم نظارت مبنی بر حل مشکل مجوز انتشار مهر، نام مهر در لیست نشراتی که مجوز انتشارشان در دو جلسه هیئت نظارت (تشکیل شده در روزهای آخر اسفند ۷۵) صادر شده بود، پیش نمی خورد و مهر همچنان در لایحه پوئه پرو کراسی ماند و شش ماهه شد و همه تلاش بنده از طریق مذاکره و مکالمه با وزیر محترم، قائم مقام عزیز و معاون مطبوعاتی گرامی وزارت ارشاد در روزهای آخر سال گذشته به سرانجام نرسید و با نخستین بی مهری به مهر مجبور به حذف وعده با مخاطبان صمیمی که پس از انتشار سه پیش شماره با نامه و تلفن احساسات گرم خودشان را ابراز نموده بودند، شدیم.

فرهنگ و تهاجم فرهنگی از نگاه حضرت آیت الله خامنه ای

ما باید این باور را داشته باشیم که امروز آماج تهاجمات فرهنگی دشمنانمان هستیم. هم به صورت آمیختن فرهنگ غربی با ما چیزهایی که آن را از خلوص و کارایی می اندازد و هم به صورت مانع از رسیدن به سر راه تریبست استانه های کارآمد و

اگر مهر را از خود بدانید

۱- شماره ای که پیش روز دارید، اولین شماره مهر است. قبلاً وعده داده بودیم که پیش شماره چهارم را در بیست و یک اسفند و این شماره را در نوزدهم فروردین منتشر کنیم. متأسفانه اتفاقاتی رخ داد و ما را در مقابل خوانندگان عزیز که منتظر مهر بودند شرمند کرد. شرحی از این مآولع به قلم مدیر مسئول آمده است که می خوانید و ما را از آنچه پیش آمد می بخشد.

به هر حال برای ما سه پیش شماره ای که منتشر شد، حکم شماره های اصلی را داشت و دوستانی هم که می خوانستند بلداند «مهر» چیست و چه خط و ربطی دارد، به این دو شماره، به پیش شماره شماره نگاه نکردند. از همان پیش شماره اول همه چیز را جایی گرفتند؛ آنقدر جدی که خود ما نیز مجبور شدیم با جدیت بیشتری شماره های فرهنگی مجله را شروع کنیم. ۲- اینکه «مهر» چه می گوید و چه چیز را دنبال می کند، کاملاً معلوم است و برخلاف نظر بعضی از دوستان که خبر انتشار هفته نامه را با هزار علامت سؤال و تعجب منتشر کردند، نکته مهمی وجود ندارد. البته خوانندگان هفته نامه، نه به ادعاهای ما کار خواهند داشت و نه قصد و فرض دوستان را جدی خواهند گرفت. اگر مهر را از خود بدانند، آن را می خوانند و می خوانند دوستانه ایراد می گیرند و گاهی هم تشویق می کنند. خیلی صریح و واضح نظرانشان را در دفتر هفته نامه می فرستند و... و اگر مهر را از خود ندانند، آن را پس می زنند و حتی حاضر نخواهند شد که برای کار کردن سبزی یا تمیز کردن شیشه از آن استفاده کنند. آنها کاری به ادعای نویان نشر نمی نمانند. بنابراین اگر در پیش شماره های گذشته راجع به «مهر» سخنی نگفتیم و ادعاهای خرد و کلان خود را در یوق و تراکت کردیم، از همین روز بود که گفتیم، خوب یا بد، درست یا غلط، همه چیز را گذار کنیم به خوانندگان. ۳- به هر حال، در خوشبختانه با متأسفانه، مهر هم به جمع مطبوعات کشور پیوسته است و صمیمانه به همه دست اندرکاران نشریات و خوانندگان سلام می کند. ۴- مطالبی که برای پیش شماره چهارم در نظر گرفته بودیم، حال و هوای اواخر اسفند و ابتدای سال نو را داشت. متأسفانه فرصت چاپ آن مطالب و نیز عرض تبریک به مناسبت سال نو... و از ما گرفته شد. چند مطلب، البته متناسب با ایام نوروز است که هنوز خوانندگی است و همواره مربوط به موضوعاتی است که نخواستیم به آنها بی اعتنا باشیم. خوانندگان خودشان و بر ما خواهد بخشید که قدری میر شده است... ۵- از این پس آن شاهانه صبح هر سه شنبه به دیدارشان خواهیم آمد و امیدوارم که همچنان مهر را از خود بدانید.



گزارش از پنجمین جشنواره بین المللی عکس کودک و نوجوان سوره بچه ها، فردا مال ماست

از اول اردیبهشت ماه، خانه عکاسان حال و هوای دیگری داشت. پیش از صبحا کودک و نوجوان ۱۵ ساله، در کارگاه نوجوانان عکاسی و گروهی از علاقمندان این رشته گرد هم آمده بودند تا در خانه خودشان نشین و با برگزاری کارگاه آموزشی پنجمین جشنواره بین المللی عکس کودک و نوجوان سوره»

۱۰۷ هکتار از ۳۰ کشور جشنواره عکس کودک و نوجوان سوره حالا بر پنجمین سالگرد برگزاری اش از میان بسیاری از اماها و اگرها عبور کرده. و به یکی از متمیزترین مسابقات عکاسی شده است. امسال تعداد ۱۰۷ عکس از عکاسان ۳۰ کشور جهان به بخش مسابقه ای نشریات کودک و نوجوان از عمده برنامه های جشنواره راه یافتند. و در چهار بخش به رقابت برخاستند:

- عکاسان زیر ۱۲ سال با موضوع آزاد
- عکاسان ۱۲-۱۷ سال با موضوع شایع
- عکاسان بزرگسال با موضوع کودک
- عکاسان بزرگسال با موضوع های شایع های کودکان



برنامه های جشنواره در کنار رشد کمی و کیفی جشنواره امسال، خانه عکاسان با کوله باری از تجربیات برگزاری چهار دوره این جشنواره، توانست برنامه متنوع و منظمی را ارائه نماید. به عنوان مثال در یک حرکت مثبت، خانه عکاسان عکسهای بخش مسابقه را علاوه بر

مراسم اهدا جوایز در اولین روز برای جشنواره در تالار اندیشه شامه اهدای جوایز به برگزیدگان مختلف بخش های مسابقه بود. با توجه به اینکه دو بخش از چهار بخش مسابقه به کودکان و نوجوانان زیر ۱۷ سال اختصاص داشت شور و شوق خاصی به عکاسان این رده سنی که در تالار حضور داشتند حاکم بود. مراسم اهدا جوایز با حضور حجت الاسلام ذم سپرست حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد (که اساسی برندگان جداگانه آورده شده است). در انتهای مراسم، با حضور می اندیشیم: خانه عکاسان خوب توانستند است فرهنگ عکاسی و ارزش تصویر را به کودکان و نوجوانان کشورمان بشناسانند. آن هم کودکان و نوجوانان از محرومترین نقاط این شهر بزرگ و شهرستانهای دیگر. از نوجوانان خوب و صمیمی خزانة بخاری گرفته تا کودکان پاک و بی آلابی نازی آباد. □

ردیف	کشور	رده	چاپ	سن	کتب
۱	ایران	کودک	مقاله جعفر بن محمد	۱۲ ساله	ایران
۲	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۲ ساله	ایران
۳	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۴	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۵	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۶	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۷	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۸	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۹	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۰	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۱	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۲	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران

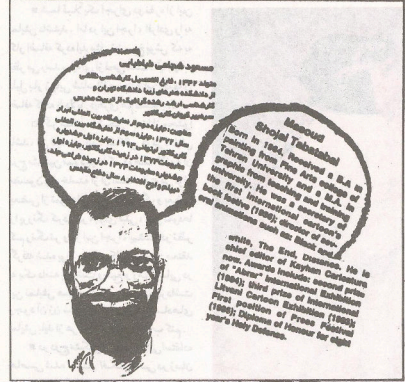
ردیف	کشور	رده	چاپ	سن	کتب
۱۳	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۴	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۵	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۶	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۷	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۸	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۱۹	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران
۲۰	ایران	کودک	مقاله احمد	۱۰ ساله	ایران

من از مسعود شجاعی می ترسم!

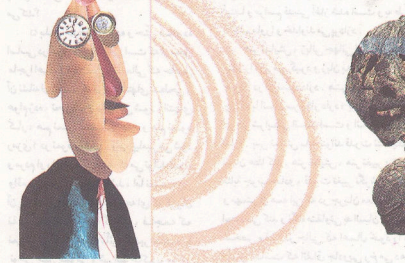
«سید مسعود شجاعی طایب‌ها بی مردم، شریفی است. کاریکاتوری می کشد و کارگرافیک انجام می دهد. هنرمند حرفه ای است، اما نه شلوار تنگ می پوشد نه خودی را چرب می کند. از حیث ظاهر، کلاً معمولی است و با یک موندای ۱۲۵ به این طرف و آن طرف می رود. گاه شده است، برای تکه سرما نخورد، چهار، پنج کاپشن روی هم بپوشد و باز هم سرما بخورد. از این جهت درست مثل پسر خاله ما و پسرعموهایش است. با همه اینها مدتی در فرانسه درس خوانده و یک بار هم در پاریس با اوروم سیزیلوویچ، قهوه خورده است. تا بعضی کاریکاتوریست های ترکیه، یونان، ژاپن، روسیه، چک و ... رفیقت دارد. برای آنها گوشتدنی فرستد و آنها پاریش انواع و اقسام حیوانات را. گوشه دفتر کارش یک باغ وحش کامل دارد. قبل از اینکه به فرانسه برود در همین تهران درس «کاریکاتور» خوانده است و خیلی قدیمی ترها روی دیوارهای تهران شکست می کشیده است. جریان زیبایی سازی که راه افتاد، شکلهای او را هم یاد کرده. الان چند ساله است با یکی از دوستانش مشغول است، که او هم کاریکاتوریست است و مثل مسعود نه شلوار تنگ می پوشد و نه خودی را چرب می کند و ... یک ماهنامه کاریکاتور منتشر می کند. جلای از اینها برای این طرف و آن طرف من جمله «مفتحه نامه مهر» کاریکاتوری می کشد و از این راه و قدری هم کار گرافیک ارتزاق می کند. اخیراً کتابی هم منتشر کرده است به اسم «آموزش گام به گام روشنگری». از ویژگی های این کتاب و



امروز کارهایی از سید مسعود شجاعی را در این صفحه چاپ می کنیم که تجربیات کاریکاتوری جدید او در «کولازه» است. با سر هم کردن چند تصویر بی ربط و با ربط صورت دفرمه یک بحث پرگشته بپیاورد و می سازد که کلی خنده آور است، به ویژه وقتی بفهمیم که اصل تصاویر مربوط به یک زیردریایی پیشرفته کوزه شمالی یا یک غار تازه کشف شده در جنوب استرالیا است. آیا واقعاً وقتی تصویر کوه و دریا، یا یک تپه‌ی نقاشی را به مسعود شجاعی نشان می دهیم، همین صورتهای دفرمه را می بیند یا کوه و دریا را؟ آیا او واقعاً مثل کودکان در میان ابرها باغ و حلق خیالی خودش را تکمیل می کند؟ چه کسی فکر می کرد روی جلد «هنر ماسر» که کار مصطفی گوردوزی است زیر دست مسعود به این روز بیند؟ آیا واقعاً در لایه‌ی نقاشی گوردوزی این شکلهای عجیب و



غریب پنهان بوده است؟ راستش من وقتی مسعود را می بینم نگران می شوم و قدری هم می ترسم. چرا که نمی دانم واقعاً دارم به حرف های من گوش می دهد یا در ذهنش جای چشم و دماغ مرا عوض می کند. چه بسا قشقه‌هایم را جای گوشه‌هایم بگذارد و گوشه‌هایم را جای دندان کرسی و ... آیا وقتی سر تکان می دهد، حرف مرا تصدیق می کند یا به تصویر کولازی من می خندد. سیدعلی میرفتح



سیره شرکت خدمات مسافرتی و جهانگردی

بزرگی نمایندگی کل فروش بلیط قطارهای مسافرتی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران در تهران بزرگ به تمام نقاط کشور.

- نمایندگی فروش کلیه خطوط هوایی داخلی و خارجی
- تورهای داخلی و خارجی
- تهیه ویزای بیبی - زورو هتل
- تهران - خیابان خاندان اسلامی پلاک ۲۵
- تلفن: ۰۲۵۰۱۱۸، ۰۲۵۰۹۲۳
- ۸۷۲۳۸۰، ۰۲۵۰۱۵۰
- مدیر فنی: ۸۷۲۳۰۸۳ مدیریت:
- ۸۷۲۳۰۸۴
- تلفن: ۶۵۸۱۶۵۰ فکس: SIREIR
- ۲۵۶۹۳۵

برای رییس جمهور آینده

• **هوشنگ مرادی کرمانی** (نویسنده) انتظار دارم وسیله ای فراهم بشود و این قدر جستجوهای زیاد شود که هر هفته، ما یک جشنواره هنری داشته باشیم تا همه هنرمندان نقاش، شاعر، سینماگر و ... بتوانند در این همایشها شرکت کنند و همه بهره‌مند بشوند. انتظار دیگرم، این است که این جشنواره‌ها هر قفق در تهران و متوقف نشود، بلکه به روستاها، شهرستانها و جاهای مختلف برده شود و چینه‌های شهرستان در گوشه و کنار کشور بتوانند استفاده کنند و هنرمندان بتوانند به طور مرتب، مسافرت کنند یا امکاناتی که فراهم می‌شود یا جوایزی در تاسمی باشند و آنها را تحویل بگیرند. در هر صورت، جامه‌های هنری باشد و امکانات برای رشد و پانیرش جوایزها. از جمله تأسیس مؤسسات هنری، فراهم آورد. □

• **مهرداد قریزاده** (کارگردان) چون من هم در بخش خصوصی سینما هستم، هم فیلمنامه می نویسم، هم کارگردانی می کنم و هم در بخش تولید و تهیه‌کنندگی هستم، انتظاراتم این است که واقعاً بخش خصوصی حفظ بشود. البته سینمایی دولتی ایرادی ندارد، منتهی یک مقدار، رقیابت سالم را از پسین می‌برد. سرمایه‌های ارکدی وجود دارد که می‌توان از آنها در کارهای فرهنگی استفاده کرد؛ مثلاً تسهیلات سینمایی ساخته شود. وقتی می‌بینم چند سالن سینما به درواخته تبدیل شده یا احتیاطاً تعطیل شده، دلم می‌گیرد. همچنین انتظار دارم که یک مقدار دست چپه‌ها در فیلمنامه‌نویسی و در ساخت فیلم بازنتر بگذارند تا ما بتوانیم سوره‌های بکرتری را داشته باشیم. ما می‌توانیم از رئیس جمهور آینده مان توقع داشته باشیم که سینما را دوباید.

• **محمدعلی طالبی** (فیلمنامه‌نویس و کارگردان): من نیز همان حرف آقای حاتمینی کیا را تکرار می‌کنم که اما نگران شترهایمان هستیم.

• **جمال شوره** (کارگردان): بسته به نیاز صنفی خودمان، انتظار داریم که رئیس جمهور آینده، اهتمام و حویث خاصی نسبت به نقضیای فرهنگی داشته باشند. به خاطر اینکه الان حقیقتاً جریانهای فرهنگی به نوعی پس زده‌اند. حتی نهاجامت نظامی را. دولت آمریکا تصویب کرده که با ابزار فرهنگ به جنگ ایران بیاید، بخوامیم در هر بخش، جوانها، مردها، زنها



• **محمسن محسنی نسب** (کارگردان) ما مسافران بعد از گذشت هجده سال از انقلاب، هنوز صاحب کیسینهای بیبی - ملی نیستیم. توقع من از همه مسئولان و رئیس جمهور آینده کشور این است که در این راستا حرکت کنند.

• **مهمد ملحدیور** (نویسنده و استاد دانشگاه) این پرسش شما، نیست انکارها و خود پندانه‌ها است. خواست من در برابر حوالت و تقدیر چیزی نیست و اساساً اگر در مقام اهل حق باشیم، دعا و طلب ما جز تمجیل ظهور حضرت صاحب، بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمی‌تواند باشد تا از شر این حوالت مدرنیته و نیست انگاری ذاتی آن خلاص شویم. ولی چون دعا، تعلقش به همان حالیه است که در آن واقع می‌شود، هر چه دعای افرح زمان زمان می‌خوانیم بر شدت ظهور و غلبه مدرنیته افزوده می‌شود؛ زیرا شرط ظهور و فرج شدت است. پس در دنیا، اگر عالم به همین تصور، مظهر قهر و مکر الهی باشد و تعلق به عصر شدت داشته باشد، همچنان تبلیغات به جای معرفت غالب خواهد بود. همه وزرای فرهنگی آینده از باب فرخ روزی و وسع مکانت سخن خواهند گفت اما کمتر آتری از این مراتب مشاهده خواهد شد. هر روز پیش از پیش، اهل حق و دین به جزیره‌های محصور در آب اقیانوس مدرنیته و نیست انگاری گرفتار خواهند آمد و این نشانه‌ها پس از خدانورده نیست، بلکه پاس از نفس بیچاره و مضطر ماست که در حال غفلت، دعوی و تمناي تسوفاست ما غیبتی زیاد است. از محال می‌کند و به نهایت مظلمه زدگی آنرا از زمان می‌رود و نامش از روشنگری و نورالشرقی و نورانیت در برابر تاریکی قرون وسطی و دین می‌گذارد.

• **بهزاد خداویسی** (بازیگر) من مثل همه کسانی که در سینما کار می‌کنند و سینما را به عنوان یک هنری که سرمدنار فرهنگ یک ملت هست می‌دانم، از رئیس جمهور آینده انتظار دارم که واقعاً به سینما یا یک نگاه تخصصی نگاه کنند و جایگاه فرهنگی سینما را کامل‌تر کنند و فیلمهای هنری و کارگردانان خوب و جوان را با استعداد که در سیکهای مختلف می‌خوانند کار کنند، از سوی دولت کمک بشوند.

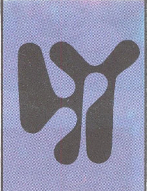
• **امیرحسین شریفی** (تهیه‌کننده) در مورد فرهنگ و هنر این مملکت، تسوفاست ما غیبتی زیاد است. از رئیس جمهور آینده، توقع دارم برای کسانی که در بعد فرهنگی کار می‌کنند، ارزش قابل بشوند.

سازمان آگهی‌های هفته نامه مهر

جهت تکمیل کادر بازاریابی به تعدادی بازاریاب مجرب نیاز دارد.

آدرس: تهران - خیابان حافظ، بعد از تقاطع طالقانی

خیابان رشت، شماره ۲۳، طبقه چهارم تلفن ۶۴۶۹۹۴۸-۳ ۳۰۰۴۱-۳



قابل توجه متصدیان اوقات فراغت

در اید حامد سعید نوروز، همه چیز و همه جا خبر از تلوزیون تعطیل است. البته این همه چیز و همه جا، آتش نشانی، اورژانس و نیروهای انتظامی کشور را شامل نمی‌شود، اما همه کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ را شامل می‌گردد. تقریباً از بیست و هفتم اسفند سال ۱۳۷۵ تا شانزدهم فروردین سال ۱۳۷۶، کاری جز خوابیدن، مهمانی رفتن، اجیل خوردن و تلوزیون دیدن و ... نمی‌شود کرد. البته اگر کسی حوصله داشته باشد، سیم‌ها می‌تواند ببرد، اساساً متوسط به فرهنگ، تعطیل! یک پیشنهاد: مسئولان فرهنگی کشور می‌توانند یک آپیک شایه طراحی و تنظیم کنند تا خانواده‌ها به طور کلی امور فرهنگی مطلع شوند. پیشنهاد دیگر: مردم می‌توانند از اول نوروز تا آخر نوروز برای گذران اوقات فراغت به «سیره» بروند.



شخصیت ملی و دفاع مقدس
به گوشن ستیا واحد
چاپ اول: ۱۳۷۵ / تیراز
۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه انتشارات سوره

دوازده مقاله کنار هم
نشسته اند تا کتاب شخصیت ملی و دفاع مقدس به دست شما برسد.
ستیا واحد یا این مقالات یک ستون خوش قد و بالا در روزنامه کیهان اشغال کرده بود. ما توانستیم این مقالات را که نگاه تازه ای به جنبه های گوناگون دفاع هشت ساله ما دارد، از آن ستون چلنا کنیم. کتاب شخصیت ملی و دفاع مقدس تلاش می کند خواننده را با ابعاد مهم و پلانی دفاع بزرگمان آشنا کند و حتی راههای حفظ پاره ای از این ابعاد را نشانسان دهد. خدا کند بتوانیم یاد این نسل جسور و مقتدر را در صفحات تاریخ مینمان حفظ کنیم.

گسستی از اشاره کتاب

یاد آقا مرتضی بغیر

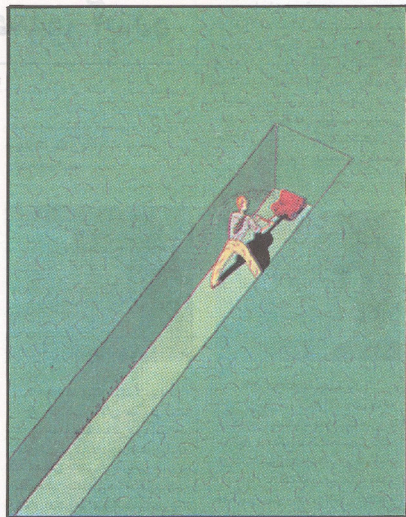
«سوره» ویژه نامه شهادت سیدمرتضی اوینی را نگاه می کنم. چقدر سخت بود این پیام و چه زود فراموش شد همه چیز. نوار «مرتضی و ما» را توی دستگام می گذارم. تقریباً همه مستگام. به دعوای هم اشاره می شود. فکرمی کنم اگر آقا مرتضی یک ماه دیگر زنده بود چه پیش می آمد؟ بدجوری دلم می گیرد. هوای بهشت زهرا کرده ام. با حسین به بهشت زهرا می روم. سر مزار خیلی شلوغ است. همان دور می ایستیم و فاتحه می خوانیم. عکس آقا مرتضی از همین دور پیداست. اورکت کره ای روی شانه انداخته. دستهایش را به هم کرده است. نگاه فریبی دارد. در برابری نگاه تاب نمی آید. می گریزم. یک گوشه ای می نشینم و یاد ام قدیم می افتم.

همه آقا مرتضی را دوست دارم. برایش فاتحه می خوانند. هر وقت بهشت زهرا پایند سری به او می زنند. صدای گریه را با اشکهایش می شنود. عکسهایش را بزرگ می کنند و می خوانند که یادش همیشه زنده باشد. اما نوشته های او هنوز فریب است. کمتر آنها را می خوانند. برایش مراسم می گیرند. سمینار برگزار می کنند. می حرف های خوب می زنند، اما حرف های او هنوز فریب است.

بعضی از ما حرف های خودمان را به او نسبت می دهیم و اگر سؤال کنند هنوز نمی دانیم که دقیقاً آقا مرتضی درباره هنر، سینما، انقلاب یا جنگ چه می گفته است. «باشگاه» را می گویم توی دستگام. برای رزید که نان هسته خرما می خورد گروه ام می گیرد و برای مادر رزید که نان پیری و بیماری می برد. صفحه هایی از «دشوری در آستان» را هم می بینم. آخر نوار سخناری آقا مرتضی در دانشکده سینماست. یاد آن جلسه گذاشتم و یاد کسانی که می خوانند همه چیز را به هم بریزند.

یاد فرودین هفتاد و دو می افتم. سال هفتاد بود. آقا مرتضی ام می گفت «سال برچمه هاست». یاد خدا حافظی می افتم. یاد نوزدهم فروردین و یاد تکه. بیستم فروردین همه چیز جور دیگر بود. آقا مرتضی را دفن می کردند و مازیزات عاشورا می خواندیم. چند روز گذشت. چند ماه گذشت. همه چیز عادی شد. شاید هم فراموش شد. نمی دانم. یاد آقا مرتضی بغیر... □

سیداحمد زوی



قطار صبز

■ مقاله احمد زوی

سبز را با «ساده» نوشتم، برای اینکه هنوز هم گیج و ویج آن قال و مقال عجیب و غریبم. با قطار از مسافرت پرمی گشتم و علی رغم خشکی زیاد، هرچه سعی می کردم برای چند دقیقه هم که شده، چرتی بزنم، فکر و خیالات مزاحم، دست از سرم بر نمی داشتم و خوابم نمی برد. سر سرب، برنامه صبیر در سبزی را از تلویزیون ایستگاه راه آهن تماشا کرده بودم و به محض اینکه چشمهایم را می بستم، چهره های بازیگران آن نمایش در نظم مجسم می شد که بی وقته می حرف می زدند، فریاد می کشیدند، گریه می کردند یا قهقهه دیوانه وار سر داده بودند و نمی شد فهمیدند چه دردی دارند و چه می خواهند.

شما می داندتد امراض رویی چیست، آقا؟
- ایستحانه تن بیمارستان است، نه

- گفتید خیرنگارید؟
- بله، خیرنگار برنامه های خیلی بهداشتی! همه مرا می شناسند، شما چطور نمی شناسید؟

- قبلاً خیرنگار ورزشی نبودید؟
- نه، آن کسار دوم من است. خیرنگارشان نیستیم، گاهی اوقات، مسابقات شنا، شیرجه و شطرنج را شرح و تفسیر می کنم. اگر مزه مزه پی در پی و تند بی غلط بگویم: شنا و شیرجه و شطرنج را در دورین دستم؟ یک جایزه نفیس به شما تقدیم خواهم کرد.

- استمن صفر است؟
- نه جناب، منظور از صفر، صفر نیست؛ و سفر است و ثبت ثایه های سفر با دورین دستم! ... سی سس می کنم ناراحت نیستید؟

- از ناراحتی گذشته، آنگاه! من عصبانی ام؟!
عصبانی ام؟! می فهمید؟! بنده به شدت، عصبانی ام آقا!

چرا عصبانی مصیباتی شوم، اصحاب مصحاب صاحب مرده ام! فرموده کتم؟ پنج مرتبه پی در پی و تند پی در پی، این جمله را تکرار کنید. از طرف برنامه «اسفر و دورین دستم» جایزه بسیار نفیسی به شما تقدیم خواهد شد. «چرا عصبانی مصیباتی شوم» اصحاب مصحاب صاحب مرده ام! فرموده کتم؟! □

گفتم به شدت، عصبانی ام، نگذاشتید حرقم از نام کتم و نپرسیدید، از چه! □
- از چه؟! □
- چی از چه؟! □

لبسی از چه، چه از چی، چی از چی، چه از چه، چی از چی، چی از چی چی؟! ده مرتبه پی در پی و تند پی در پی... بلند بشم برفتم، با مازاز خواهم و التماس، کوبه ام را حرم خودم. شب از نیمه گذشته و نزدیک صبح می رود. قطار سرعش را کم کرد و چند لحظه بعد به ایستگاه بی راه رسیدیم. ناگه! چراغهای زردی در محله و داخل ساختمان ایستگاه روشن شدند و صدای زبیدی چوب و چماق به دست، شیشه های دروا و پنجره ها را خورد کردند و از ساختمان بیرون رفتند. قطار که هنوز کلافت نکرده بود، موفق شد به موقع بگیریزد و خوشبختانه آسیمی به ما نرسید. بعداً گفتند، آنجا فیلمبرداری می کردند و آنچه ما دیدیم، واقعی نبود، فیلم بود! فیلم قطار صبیر! □

حق اشتراک:
تهران: شش ماهه ۵۰۰۰ ریال/ یکساله ۱۰۰۰۰ ریال
شهرستان: شش ماهه ۶۰۰۰ ریال/ یکساله ۱۲۰۰۰ ریال
اروپا: شش ماهه ۳۴۵۰ ریال/ یکساله ۷۳۰۰۰ ریال
آمریکا: شش ماهه ۳۲۵۰ ریال/ یکساله ۸۵۰۰۰ ریال
لطفاً مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۱۸۲۷۰/۵۹۳ بانک تجارت شعبه سمیه غربی به نام جراید حوزه هنری، کد ۱۸۰، (قابل پرداخت در کلیه شعب) واریز و اصل فیش بانکی را به همراه فرم پر شده به نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۱۱۳۴ یا ۱۵۸۱۵/۱۸۲۷۰ ارسال نمایند.

■ شما قبلاً یک اجرای دو نفره از این نمایش داشتید. اما در این اجرا، افرادی را به کار اضافه کرده اید مثل زن سرخ پوش که به نظر می رسد سایه ای از منی است. آیا تنها به دلیل بار زیبایی شناسانه صحنه، این آنها را اضافه کرده یا دلایل دیگری هم داشته اید؟

□ اگر مسئله مشکل؟ جدا از محتوا باشد، بی فایده می آید. امکانی که در نمایش درج مشکین نمود پیدا کرده همه لازمه آن مضمون و پرخاصه از آن است. البته می توان بعضی از نمودهای متن را کم رنگ و بعضی را پررنگ کرد. در اجرای قبلی، این نمودها کم رنگ تر و در این اجرا، بیشتر در نظر گرفته شده بود. به طور کلی چون من معتقد به یک دامنه برداشت وسیع و رمزگشایی در این نمایش هستم، فکرمی کنم در برداشت وجود آن زن سرخ پوش و دیگر نمادهای نمایش باید از هر گونه توضیح اجتناب کنم.

■ در جگ مشکین از لحن روانی استفاده خاصی شده است. الکار لحنی در زمان حیاتش به شکل صدایی ضبط شده راوی بخش و با صدایی زنانه او ترکیب می شود. چگونه از زبان سستی داستان به این شکل رسیدید و در آن هر کارکردی دیدید؟

□ به نظر آمد، این شیوه می تواند سریع تر ما را به اصل ماجرا و همچنین گشت و جستاری در قلمه برساند. در عین حال، جذاب تر هم می آید. این شیوه به و هم گوئی و ضرب شدن در خیال تزیین تر بود و در نظر آقای خوبی هم در فضا و اتمسفر کلی نمایش (و بردن به سمت کالیبرس) می گذشت.

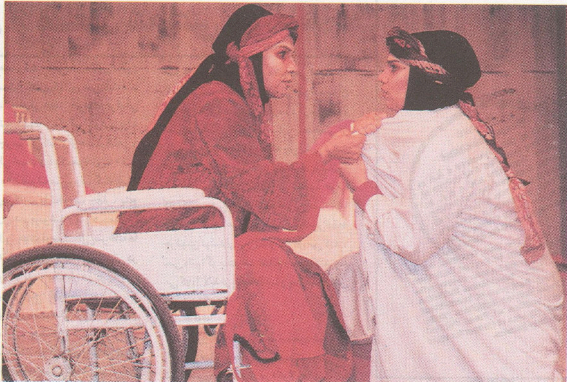
■ در پایان نمایش، صحرا به عنوان شخصیت اصلی، محور کار قرار می گیرد. مردم پیامبر بودن او را می بینند و او را چرا که آبا صحرا چنین تصفیه شده و بالوده لحنی است که رسالت او را دنبال می کند؟

□ بله، صحرا بالوده و حتی شالوده اساسی در گیری و چالشهای است که از محل ماجرا اعاده شده؛ فعل و انفعالی که حاصل آن نشانه ای است که در برداشتهای سطحی و عوام زده، تعریف و تلویذ می شود. انتهای کار، هم نموده تمثیلی دارد و هم نموده رمزی؛ در نموده تمثیلی، زنی پیامبر می شود و مردم او را باور نمی کنند که می تواند نمونه واقعی و عینی نیز داشته باشد، اما نموده رمزی آن پیچیده تر است؛ شاید قاصه ای که گریبان نفسی پاک انسانی را گرفته، فاجعه که نمی توان گفت تحت تأثیر تقدیر است و یا نوعی جهل عمومی و شرایط حاکم بر محور سرنوشت انسانی و ...

در آخر باید بگویم که نمایش درج مشکین دارای اشکال نمایشی است که می تواند نمود واقعی نیز داشته باشد، اما همین تمثیلهای نمود رمزی نیز دارد که حیطة کار را وسیع تر می کند. پایان درج مشکین در «ساخت تمیل، شاید اضمحلال لحنی باشد. اما در ساخت و رمز، مزاج است و لوح گرفتن در محتوا؛ بدون آنکه این لوح به سوی برشاند یا خیر؛ توده اوج است و مابقیت خالص آن که مد نظر بوده است.

■ درباره اجرای این نمایش در شرایط کنونی بفرمایید.

□ امروز در این صحنه، با این وضع نقد و نظر و حمایت صاحب نظران ارائه کار تئاتری، فرزند به گور گذاشتن است و حتم دارم که خدانود از همه سؤا سؤا خواهد کرد؛ از همه ای فرزندان زنده به گور، که به کلندین گناه حرام و کتله شدند؛ اکتفه این دوران ...



انسان، تئاتر و تحول

به مناسبت هفتم فروردین ماه روز جهانی تئاتر

در کوهانه زمانی سی وجود را به زبان حقیقت بدل می کند. روز جهانی تئاتر بر همه افراد خاندان تئاتر مبارک باد. باشد که در سال ۱۳۴۶، شاهد شکوفایی هرچه بیشتر این هنر مقدس در کشورمان باشیم. □

اولین مقاله در تئاتر / مجیدیه مهاجر / سروش، ۱۳۴۴

۱. عمل
۲. الگوی برای زیستن.
این دو عنصر به طریقی به تمام وجوه زندگی بشر دخالت دارد. هیچ هنری این چنین با عمل و انتخاب در زندگی بشر سروکار ندارد. از این دیدگاه، هنر نمایش چون رسالت است. چرا که با پایدها و ناپایدها سروکار دارد، الگو می دهد و هدایت می کند. هنر نمایش، هنری آسمانی و فلسفی است. چرا که از آنها و مراسم قدسی آغاز شده است و به طریقی به ارتباط انسان با عالم مابرا و خداوند می پردازد.

هنر نمایش، زبانی جهانی است، چرا که اساسترین شکل بیان را دربر می گیرد و زبان به غنی ترین و خالص ترین شکل خود، در آن نمود دارد. هنر نمایش، هنری اخلاقی است. چرا که با انسان سروکار دارد، یعنی وسیله، موضوع و مخاطبش در هر شرایطی انسان است و انسان جدا از اخلاقیات وجود ندارد. پس نمایش نباید بتواند قدرت تشخیص بره از ناسو را به انسان عطا کند. هنر نمایش، هنر تغییر و تحول است. چرا که به مثابه چوب جامد، قدرت تغییر نگرش و رفتار زندگی را دارد و بهمنتر از همه این که در جریان معمول و روزمره زندگی خلل ایجاد می کند و نگاه متفاوتی به انسان می بخشد. نگاه یک سوم شخص مفرط در حالی که اعمال خود را نشان می کند و در همین جاست که اتفاق جادویی رخ می دهد. چرا که معمولاً چنین موقعیتی در جریان معمول زندگی رخ ندهد.

تئاتر، هنر ارتباط نیز هست. در جهانی که همه عناصر آن، سرعت از یکدیگر فاصله می گیرند، نمایش قادر است که در یک لحظه جادویی، تماشاگر و بازیگر را در تجربه ای مشترک به هم نزدیک کند. عملی که در جهان پرشتاب و تنش مند امروز، برآخی مفقود نیست. یکی از صاحب نظران، هنر بازیگری را اولین قدم برای انسان شدن معرفی می کند. ما این گفته را این گونه کامل می کنیم که اولین قدم برای هرگونه ارتباط متناظر انسانی نمایش است! ارتباط میان بازیگر و تماشاگر! ارتباط و روبرویی دو انسان با یکدیگر ...

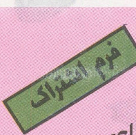
در روزگاری که مکاتب مختلف فلسفه و روانشناسی در جستجوی مفهوم حقیقت سرگردان مانده اند، نمایش، انسان را به جستجوی ذاتی خود باز می گرداند. به جای در کرانه های علم که همه چیز از آنجا آمده است. در نمایش، کلام و عمل با هم درمی آمیزد که الگوی برای زیستن باشد. کلام و عمل دو هدیه خاص الهی به انسان است و چه هنری والاتر از هنر نمایش، که از هر دو این مواهب بهره می گیرد؟ در روز جهانی تئاتر، ارتزهای باقوه و جاودان این هنر مقدس را پاس داریم و از آن راه نشر راستی و رسنگاری در جهان بهره ببریم. هنری که به بسیاری از هنرمدان، چون کیمیاگران عمل می کند و

نام: نام خانوادگی:
آدرس کامل پستی:
کد پستی: تلفن:



■ ترگس
رحیم مخلومی / چاپ اول: ۱۳۷۵ / تیسرا: ۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه انتشارات سوره
رمانی است درباره دوران قبل از انقلاب که چگونگی نزول راه های رژیم طاغوتی را به دست بیریان و نوجوانان، در مدارس بازگو می کند.

■ سیدآ خدا حافظ
حسزده اذنی / چاپ اول: ۱۳۷۵ / تیسرا: ۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه انتشارات سوره
مجموعه ای از خاطرات جهاد افغانستان است که به کوشش حمزه واعظی گردآوری شده است.



آگهی اشتراک کتابهای

هوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

به این وسیله به آگاهی علاقه مندان آثار دفتر ادبیات و هنر مقاومت، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات و قصه و شعر کودک و نوجوان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی می رساند، واحد اشتراک این حوزه آماده است تا ضمن پاسخگویی به درخواستهای شما، برای ارسال کتابهای منتشر شده، در اسرع وقت شما را در جریان تازه های نشر قرار دهد.

برای اشتراک کتب ما کافی است فرم ذیل را پر کنید، اطلاعات لازم بلافاصله ارسال خواهد شد.

نشانی ما: تهران - خیابان پانزده خرداد، خیابان پانزده کوچه حاجیها، شماره ۲۶
مؤسسه انتشارات سوره - امور مشترکین: تلفن: ۳۰۰۰۴۴

نام: نام خانوادگی:
آدرس کامل پستی:
کد پستی: تلفن:

« نباید از یاد برد که یک جشنواره سراسری یا مسئله الگودهی، در ارتباط است. هنگامی که نمایشهایی بدون دلیل کافی، مورد توثیق و حمایت مسئولین قرار می گیرند، امکان الگوداری از آنها در طول سال و جشنواره های بعدی و در نتیجه، بیماری مسری تئاتر کشور فراهم می شود. این را دیگر همه می دانند که درخشش یک جشنواره، پیشوندانه ای برای تئاتر کشور محسوب نمی شود. پروا که جشنواره با تمام شور و شتابش، یک حرکت مقطعی است، مگر اینکه انرژی آن در طول سال به مراکز تولید تئاتر نیز منتقل شود.

خبر



درج مشکین ، از نمایشهای موفق بود که در بخش ویژه پانزدهمین جشنواره سراسری فجر به روی صحنه آمد . برخی موضوع آن را در عشق زینبی و عده ای عشق الهی میدانند . عده ای تم اصلی آن را در گیری انسان با خویش و عده ای دیگر آن را نوعی ارتباط انسان با خداوند می دانند.

دوم که امیدوارم موفق بوده باشم و چهرای باشد برای دیگر عزیزانی که می خواهند به تاتر ملی خدمت کنند و نگارنده که بیشتر از این به فراموشی سپرده شود .

■ نظراتان در مورد جشنواره پانزدهم چیست؟

□ به جرئت می توان گفت که ما بیشتر از همه کشورهای دنیا جشنواره برگزار می کنیم ، ولی نتاتر ما از همه دنیا عقب تر است . ما محارری دور خوانند را دربرگیرد . به نظر هیچ ارتباطی با دنیای تئاتری خارج از مرزها نداریم و این باعث می شود که ما مرتب خودمان را تکرار می کنیم . اگر به همین روال بخواهیم پیش برویم ، این باتمانند تئاتر ما هم که تنها در جشنواره ها وجود دارد ، باید از بین رفته ببینیم . جشنواره فجر یا مساجح چند صد میلیون تومانی می تواند یک جشنواره بین المللی خوبی باشد . می توان همه ساله از چنین کشور که تئاتر پیشرفته ای دارند ، دعوت کرد و با گروههای تئاتری برای شرکت در جشنواره های گوناگون جهانی استفاده کرد . بنیاد شکست و دست روی دست گذاشت منتظر مسجرح شد . مسجرحی ای در نتاتر ما رخ نخواند داد ، مگر اینکه با یک برنامه ییزی دقیق و صرف هزینه ها ، از گروهها و آدمهای تئاتری حمایت کنیم . سطح فرهنگ تاترری را بالا ببریم . از رسانه های گروهی به خصوص تلویزیون برای معرفی آنها و چهره های تاتر کشور استفاده کنیم . و بهتر آن است که چند سال جشنواره را تعطیل کرد و قید آمار و ارقام را زد و بودجه خرج بیکه تئاتر کرد و بعد ادا کرد که بلی ، ما نتاتر داریم ، و این هم جشنواره اما جشنواره اصمال ، نسبت به جشنواره های گذشته ، باید رشد کرده باشد؛ آن هم از نظر کیفی . در غیر این صورت ، کاری نکرده ایم ؛ مگر اینکه تعدادی آدم را دور هم جمع کرده ایم و خودمان تیز به آمار این آدمها و گروهها دلخوش شده ایم . □

خیال گرایی در شکل شرقی

گفت و گو با شارمین میمنی نژاد، نویسنده و کارگردان نمایش درج مشکین

درج مشکین ، از نمایشهای موفق بود که در بخش ویژه پانزدهمین جشنواره سراسری فجر به روی صحنه آمد . بیلابین نمایش به مدت یک ماه در سالن چهارموس تهران، اجرای عمومی داشت و اینکه به مناسبت جشنواره، اجرای مجدد داشته است. ما به همین مناسبت پای صحبت نویسنده و کارگردان نمایش نشستیم .

■ درج مشکین ، تقدما و اظهارنظرهای شما در مورد این نمایش چیست؟

درج مشکین ، نقد و اظهارنظرهای من در مورد این نمایش است. من با برخی موضوع آن در عشق زینبی و عده ای عشق الهی می دانند . عده ای تم اصلی آن را در گیری انسان با خویش و عده ای دیگر آن را نوعی ارتباط انسان با خداوند می دانند . به نظر می رسد که این اثر ، قبل از هر چیزی ، به تلاش انسان برای اثبات خویش به خداوند می دانند.



معجزه ای در نتاتر ما رخ نخواهد داد ، مگر اینکه با یک برنامه ریزی دقیق و صرف هزینه ها ، از گروهها و آدمهای تئاتری حمایت کنیم و سطح فرهنگ تاتر را بالا ببریم .

در کار شما بیشتر از یک شخصیت واقعی و ملموس ، یک شخصیت تئری یا ذهنی است . در حلقه ای موجودی صحرای بی عنوان یک زن مهم نیست ، بلکه به عنوان یک دیگر وجود الهی یا به بخشی زنانه وجود او مطرح می شود ؛ بخشی که باید با بخش مردانه به وحدت برسد تا لحن دوگانگی وجود خود را از میان بردارد و در برابر عدلیش به خلوص و تکامل برسد . اما از سوی دیگر ، صحرای بی فرازهایی به عنوان یک زن واقعی بر صحنه ظاهر می شود (مثل صحنه وحی گرفت) و پایان سرنوشت او نیز ، سرنوشت واقعی یک انسان است . این دو گانگی صحرای ، از دید شما چگونه توجیه می شود؟

□ ما در این نمایش ، نوعی برخورد لاموت و ناسوت داریم ؛ گونه ای افتداز از ماورا تا ساحت ماده ؛ صحرای ، نمادی نموی از این تصویر است ؛ نوعی محک با حتی

□ دو سرشت تعیین کننده در جان هر اثر هنری می تواند موجود باشد ؛ یکی فرایزی که به جهت حفظ حیات است و دیگری ، قدرت و سرشت خداچا ؛ که افتاد آمل زینباشناسی در این بخش دارای کمالاتی و الواست و می تواند تعیین کننده حدود هنر ما باشد . این جمال شناسی به دورنمایه ، ریخت و روینای یک اثر تأثیرمی گذارد و فضا ، حالت و ضریامنگ کار را نیز از خود متأثر می کند ؛ حتی در کلام نیز نوعی حجاب و ظرافت نمود پیدا می کند . به نظر من ، اثری قدسی خواهد شد که برخاسته از چالشها و درگیریهای فطرتی صاحب اثر باشد . البته این مقوله را نیز مثل تمام شاخه های علوم انسانی ، می توان در طبقه بندیها و اشکال تعریف شده جای داد و تدریس کرد که مثلا ، آثار قدسی باید دارای این شرایط باشند و از این ایزار و امکانات استفاده کنند . ولی در نهایت ، ترکیب تمامی این عناصر در سایه قوه خلاقه که متأثر از مفهوم الهی شده ، اثر را دارای ارزش ماندگار می کند . در مورد درج مشکین باید بگویم ما با یک دورنمایه و محتوایی کاملاً ملموس سروکار داریم و آن هم سؤالاتی است که بالاخره برای هر انسان



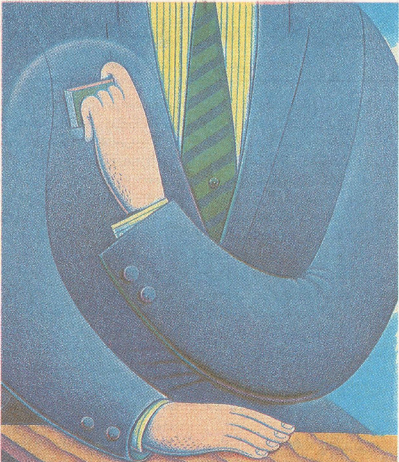
ریزی و پیش می آید که در ریختن این نمایش ما با یک نگرش فلسفی شرقی روبه رو هستیم . حال هم محتوا هم قالب هر دو برای انسان شرقی ملموس است و دقیقاً هم سعی شده است در حیطه تعریف این گونه آثار بگنجد . البته اندام دارم که وقتی به این منظرها باز نزدیک می شوم ، دیگر این ما تسخیم که در حال تولید یک نمایش هستیم ، بلکه این فضا و حالت مکاشفه گونه ناخواسنه است که ما را به تولد دوباره و امی دارد و هیرام از این موجود که پنداری زنده است ، سخن چلید و برداشتی دیگر پیدا می کنیم . به قول بسکال آثر در مورد ساختن مجسمه دارود ؛ من این مجسمه را نساختم ، تنها به آن کمک کردم تا از دل سنگ بیرون بیاید .

به نظر می رسد که شخصیت 'صحرای'

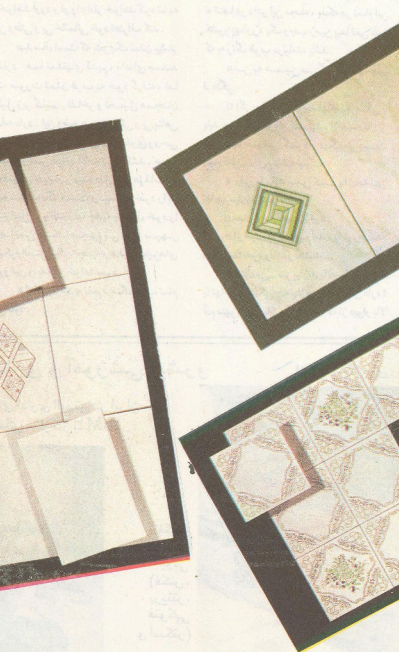
عبور نشانه های تصویری

■ حبیب الله اسماعیلی

عالم نشانه ها و تصاویر ، زیبایی شناسی ویژه ای دارد . در این عالم ، رانتماسی و هدایت از آن نشانه های دیجیتال است و زیبایی شناسی ، یعنی حفظ بصر از ظاهر امور! و مسلم اینکه در این سطح لذتیست مننوم ، جز ساده اندیشی و مصرف سرسام آور ، چیزی پدیدار نخواهد شد . در این حال و هوا ، سرگرمی بیشتر نیز در تفرجگاههای تصویری میسر خواهد شد که نظام سرمایه داری برای تسخیر روح بشر تدارک دیده است . و به بیان این تفرجگاهها نیز به آستانه بوییک خاتم می شود که با مساعدت تبلیغات و فماسازی تصویری ، می توانند سنگریزه های رنگ را هم بپوشند . اما اگر از منظری دیگر بر جهان امروز و آینده درحال وقوع آن نظر انکسیم ، همه واقمیت را در این شناسی کارانه است ، منحصراً نمی یابیم . اگرچه نظام سرمایه داری همه امکانات خود را برای تحقق عصر صدور نشانه ها و تصاویر وارد میدان کرده است ، اما به گروانه تاریخ ، وضع برحیل آنها قرار نخواهد گرفت ، چراکه پیش از این نیز آنان با همه امکانات به میدان آمده بودند . اساساً تصور اینکه آنان بی هیچ مانع و رادعی نتوانند نمویات خویش را به اجرا درآورند ، تصوری غیرواقعی و مهمل است . هنگامی



که روزانه هزاران سخن در باب توجه به فرهنگهای بومی و لزوم حفظ هویت دینی و قومی از گوشه و کنار جوامع غیرغربی حتی خود غرب شنیده می شود ، سرمداران نظام جهانی سرمایه داری ، جدا به توفیق خویش شک خواهند کرد ؛ زیرا اساساً هویت سرمایه داری در این نوعی است ، و به بیان این تفرجگاهها نیز به آستانه بوییک خاتم می شود که با مساعدت تبلیغات و فماسازی تصویری ، می توانند سنگریزه های رنگ را هم بپوشند . اما اگر از منظری دیگر بر جهان امروز و آینده درحال وقوع آن نظر انکسیم ، همه واقمیت را در این شناسی کارانه است ، منحصراً نمی یابیم . اگرچه نظام سرمایه داری همه امکانات خود را برای تحقق عصر صدور نشانه ها و تصاویر وارد میدان کرده است ، اما به گروانه تاریخ ، وضع برحیل آنها قرار نخواهد گرفت ، چراکه پیش از این نیز آنان با همه امکانات به میدان آمده بودند . اساساً تصور اینکه آنان بی هیچ مانع و رادعی نتوانند نمویات خویش را به اجرا درآورند ، تصوری غیرواقعی و مهمل است . هنگامی



کارخانجات کاشی و سرامیک

سجدی

دفتر مرکزی: تهران - خیابان فردوسی - شماره ۴۸۶
تلفن: ۳۱۱۹۴۲۳-۳۱۱۸۸۷۷-۳۱۱۶۸۸۸
فاکس: ۳۱۵۴۷۱-۲۱۵۲۵۲ SSKS-IR
کارخانه: شهرری - اول جاده قم - خیابان انبار نفت
تلفن: ۵۶۵۶۰۶۳-۵۶۵۶۰۶۷
HEAD OFFICE: No. 486,
FERDOWSI AVE.,
TEHRAN-IRAN
TEL: (021) 3118877 , 3116888 ,
3119412 FAX: (021) 395471
TLX: 215252 SSKS IR
FACTORY: REFINERY AVE.,
RAY CITY, TEHRAN-IRAN
TEL: (021) 5656063-6
FAX: 5656067

این نمایش ، تا آنجا که توانستم سعی کرده ام و انسان و عشق انسان احترام بگذارم و فکر می کنم ، این احترام نمایشی است به واجب الوجود .

■ مسیوه اجزای شما ، میان اکسپوزیشنیم (ذهن گرایی) و سوررئال (فرار واقع) در حرکت است ، یعنی نوعی کاپوس رویا . خودتان چه سبکی را برای کار انتخاب کرده بودید؟

□ من سعی کردم یک ذهن گرایی و خیال گرایی در شکلی شرقی داشته باشم که بشر کلی سبکیهای دیگری که در کار وجود دارد ، باشد و در مابقی کار به لحظه گرایی نزدیک شوم . اما همه سبکیهای موجود در کار معمولی از علنی بود که برخاسته از ذات انتخابی چه در ساختار و چه در مضمون کلی نمایش است .



■ ای ایران
جعفر ابراهیمی (شاهد) / چاپ اول: ۱۳۷۵ / تیراژ: ۶۶۰۰ نسخه / مؤسسه انتشارات سورہ .
مجموعه ای است از شعرهای جنگ با مضامین شهادت ، ایثار ، پیروزی و ... برای کودکان و نوجوانان .
■ پاسهای سرگردان
ایرج تقیوی / چاپ اول: ۱۳۷۵ / تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه انتشارات سورہ .

که برای تحقق «مکانه جهانی» طراحی کرده اند . هنگامی که صلورنشینان سرمایه داری بین داران را اصلی ترین مخالفین حاکمیت جهانی خود معرفی می کنند ، هم وقوف خویش را به توش و توان بین داران مشخصه و اصلی ترین جزه و چویدی آنان ، پیکان سازی فرهنگی ، اعتراف کرده ، به تماشا می نشینند □

دیدگاه

چند نظر درباره دوران بی‌کناهی نوشته و کار: قطب‌الدین صادقی

منیر قیدی

(مستایب کارگردان تئاتر و

تولید)

منی دلم، من تا چند دقیقه اول نمایش، گیج بودم یا قصد نمایش چندان مفهوم نبود؟ ولی کم کم... با اینکه زیاد تئاتر نمی بینم، کار را از لحاظ کارگردانی و بازیگری قوی دیدم. می توان در قیاس با سایر کارها، کلمه "خوب" را درآورد آن به کار کرد.

محمد حامی

(بازگر تئاتر و تولید)

دوران بی‌کناهی به عنوان تئاتر، اصول خاص نمایش را رعایت کرده بود، ولی حرف خود را بسیار کلی بیان می کرد. زبان و فضای کار نیز بسیار تلخ بود. شاید اگر لطافت و برخی لحظات شاد زندگی مردم را در کنار باس و حرمان نشان می داد، مردم نیز می توانستند با کار ارتباط برقرار کنند. به هر حال، هر غمی، یک شادی نیز در کنار خود دارد. ولی ما در این کار، فقط شاهد اندوه و حرمان مردم بودیم.

رحمت امینی

(منتقد و نویسنده تئاتر)

در دوران بی‌کناهی با نوعی از نمایش روبه رو هستیم که قرار است تأثیرات قوی صحنه‌ای داشته باشد. چهروز پرواز افراشیز، بازیهای خشن و خشک، همراد با میرانسن های برتر و حرکت افزون بر آن، تغییر لحن و بیان بازیگران و... اما نمایشنامه، به یاری تمامی اینها نیامده است. با بهتر است گویند، نمایشنامه سخت فهمیده می شود. و مورد از اجرامت. بنابراین، به نظر من رسد ما با یک متن پخته‌ای بدون آوج و فرد نمایشی روبه رو هستیم، در حالی که با دقیق شدن به متن برخی از ارزشهای آن آشکار می شود.

پایه در صفحه مقابل

تأثر یعنی جشنواره، جشنواره یعنی...!؛

نگاهی به پانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

ساسان صداقت هاش

پانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر از تاریخ سوم تا دهم اسفندماه، در سه بخش مسابقه، میهمان ویژه با همکاری شهرداری تهران و در کنار آن، سومین جشنواره تئاتر خیابانی و دویز گرمخالی بررسی نمایش در ایران نیز با موضوع تئاتر با هویت اسلامی

– ایرانی، برگزار شد. پانزدهمین جشنواره تئاتر فجر، از لحاظ سازماندهی، کمیت و کیفیت، متفاوتی با جشنواره های پیشین داشت. مهمترین ویژگیهای جشنواره پانزدهم را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- اهداف جشنواره: رحیم نجفی بزرگ، دبیر جشنواره پانزدهم در روز مساعلمطبوعاتی، اهداف جشنواره را چنین برشمرد: ۱. ترویج فرهنگ اسلامی و حفظ سنن ملی. ۲. تبیین آراء و تجربیات هنری در میان هنرمندان. ۳. حمایت از گروههای نمایشی کشور. ۴. کشف استعدادهای جوان و فراهم نمودن امکانات رشد آنها. ۵. روزی کردن اثرات جشنواره، بخش مسابقه بیان ارزشها و مصادف اسلامی. ۶. رسیدن به تئاتری با هویت اسلامی – ایرانی

اکتسون که جشنواره به پایان رسیده است، شاید بتوان گفت که از میان اهداف فوق، تنها مورد دوم، یعنی تهنات آراء و تجربیات هنری در میان هنرمندان، تحقق یافته است و موارد دیگر، منوط به پی گیری و تدویم آن اهداف در طول سال جاری خواهد بود. بدیهی است که یک جشنواره پرشمار و میاهمان مانند فجر، به تنهایی نمی تواند ما را در جهت رسیدن به تئاتری با هویت اسلامی – ایرانی جلو ببرد، یا فرهنگ اسلامی و سنن ملی را ترویج کند. شاید با توجه هایی از این اهداف در برخی کارهای جشنواره به چشم بخورد، اما نباید فراموش کرد که جشنواره، امری مقطعی و گذراست که معمولاً بدون تأمل و فرصت کافی برپا می شود و بنابراین، ضرورت واقعی از امکانات تئاتر کشور به دست نمی دهد. اهداف در نظر گرفته شده برای پانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، اگرچه از لحاظ نظری، بسیار زیبا و آرزومانی به نظر می رسد، اما اگر بخواهیم تمام آنها را از جشنواره استخراج کنیم، در عمل بسیار غیرواقع بینانه است. اهدافی چون بهره گیری از هنر نمایش برای بیان ارزشها و مصادف اسلامی و حمایت از استعدادهای جوان و... اهداف بلندمدتی است که احتیاج به برنامه ریزی و سیاستگذاری حساب شده و مسئول دارو نمی تواند به خوبی خود، از دستاوردهای اهداف یک جشنواره محسوب شود. یا نگاهی خوش بینانه، باید امیدوار باشیم که این اهداف، تنها به مواردی روی کاغذ، محدود نشوند و در سال ۷۶، شاهد تحقق اینها در صحنه تئاتر کشور باشیم.

در سال جاری، توجهی به گروههای نمایشی و امکانات رشد آنها صورت نگرفت گامی جدی در جهت تئاتر اسلامی – ایرانی برداشته نشود، در آن صورت باید به کل ماهیت جشنواره، تردید کنیم و اهداف برشمرده را مانند بسیاری از قولها و موارد ذکر شده در سالهای گذشته، تنها نقل قولهای فرمایشی بدانیم که در شرایط زمانی خاص به زبان می آیند.

– جشنواره ای در سه بخش مختلف جشنواره پانزدهم در سه بخش مسابقه، میهمان ویژه برگزار شد. شاید مهمترین ویژگیهای دیگر بود. بخش مسابقه، شامل آثار بود که از صافی قضاوت هیئت بازیگری گذشته بود و اکثریت کارگردان آن، از جوانان تشکیل می دادند. ویژگی عمده آثار این بخش، تکیه بر شیوه های سنتی اجرایی یا برخورداری از مضامین بعضاً تکراری بود که قابلیت اجرا با شیوه های سنتی (همچون معرکه گیری، نقالی، دره خوانی و...) را امکان پذیر می کرد و البته در میان این آثار، به ندرت شاهد آثار متفاوت و خلاقانه با مضامین انسانی و جهان شمول بودیم.

روزگرفتن از زبان هنر نمایش برای بیست و هشت نمایش به تماشاگران معرفی



باید مهم ترین ویژگی نمایشهای بخش مسابقه امسال، فضای ایرانی و سنتی کارها بود که در بسیاری موارد به یک ایده منجر می شد.

چراکه این نمایشها نه تنها از عرصه فرج گونه رقابت کنار گذاشته شدند، بلکه هیچ گونه انگیزه و مفهومی برای حضور در جشنواره این بخش مسابقه و علم مقایسه کارها در بخشهای دیگر بود. بخش مسابقه، شامل آثار بود که از صافی قضاوت هیئت بازیگری گذشته بود و اکثریت کارگردان آن، از جوانان تشکیل می دادند. ویژگی عمده آثار این بخش، تکیه بر شیوه های سنتی اجرایی یا برخورداری از مضامین بعضاً تکراری بود که قابلیت اجرا با شیوه های سنتی (همچون معرکه گیری، نقالی، دره خوانی و...) را امکان پذیر می کرد و البته در میان این آثار، به ندرت شاهد آثار متفاوت و خلاقانه با مضامین انسانی و جهان شمول بودیم.

روزگرفتن از زبان هنر نمایش برای بیست و هشت نمایش به تماشاگران معرفی



این هنرندان انگشت شمار که نیمی از آنها تماشاگر شده اند، چگونه و به چه کسی باید درود خور یا بگویند؟

شد. در حالی که از روز دوم، چند کار دیگر نیز در تالار مولوی (سالن ۱ تا ۳) به نمایش می رسیدند، اما اگر بخواهیم تمام آنها را از جشنواره استخراج کنیم، در عمل بسیار غیرواقع بینانه است. اهدافی چون بهره گیری از هنر نمایش برای بیان ارزشها و مصادف اسلامی و حمایت از استعدادهای جوان و... اهداف بلندمدتی است که احتیاج به برنامه ریزی و سیاستگذاری حساب شده و مسئول دارو نمی تواند به خوبی خود، از دستاوردهای اهداف یک جشنواره محسوب شود. یا نگاهی خوش بینانه، باید امیدوار باشیم که این اهداف، تنها به مواردی روی کاغذ، محدود نشوند و در سال ۷۶، شاهد تحقق اینها در صحنه تئاتر کشور باشیم.

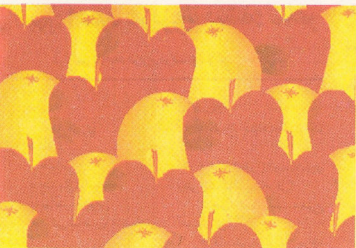
در سال جاری، توجهی به گروههای نمایشی و امکانات رشد آنها صورت نگرفت گامی جدی در جهت تئاتر اسلامی – ایرانی برداشته نشود، در آن صورت باید به کل ماهیت جشنواره، تردید کنیم و اهداف برشمرده را مانند بسیاری از قولها و موارد ذکر شده در سالهای گذشته، تنها نقل قولهای فرمایشی بدانیم که در شرایط زمانی خاص به زبان می آیند.

کارخانه تولید عروس و داماد

آشیانه مهر

در شماره گذشته به دلایلی آشیانه مهر را تعطیل کردیم. پیش خردادماه، مشکلات اساسی وجود دارد که از اوضاع سو و سات عروسی را می شود یک هفته به تعویق انداخت. اما ظاهراً انتظار، طاقت خیلی ما را طاق کرده است. رنگ زندگی هفته نامه که: «ویواری کرانه تر از ازدواج پیدا نکردید؟» مادر عروس موعده عروسی را عقب می اندازد؛ بانکی، پرداخت وام را به تعویق می اندازد؛ صاحب خانه، زیر فشارش می زند؛ استاد چیزیه می گوید اول عروسی کنید، بعداً بزنید؛ خود هر چه باشد برای بعد از استحضار و... ما سها هم که می گوئید جشنواره واجب تر است. یک صفحه نه، یک ستون از آشیانه؟ کم می کردید که آشیانه مهر تعطیل نشود. ما سرمنده شمیم و دیدیم دست می گوئید. خمشان عرض برایتان نقل می کنیم و ضمناً قول می دهیم از جان شما در عروسی. حتی بلد نیستیم جشن شما را راه بندازیم. تازه جمعیم که چشود شما شرفی آشیانه مهر دیده اید... وقتی دیدیم که قضیه تا این حد جدی است. دست و پامان را کم کردیم که چه دوستمان آقای الف. شانی را منع کردیم که دیگر در آشیانه مهر راجع به زیرشماره راه انداختن و دامادی متوجه نباشد. به طراح میله هم سپردیم که برای این ستون پرواز لک لک ها در فریب آفتاب را نکشد. در اعضاء تحریریه هم سپردیم که

خیلی خوب راجع به ازدواج فکر کنند و حرف های حساسی را جوی بزنند. دیدیم نزدیک شب عید است و مردم می خواهند شادبهاشان را قسمت کنند و برای همبلگر عروسی راه بیندازند. گفتیم سه نفر از متخصصین و اهل فضل را دعوت کنیم در دفتر هفته نامه راجع به ازدواجهای دسته جمعی میزگرد تشکیل دهند. وسط جلسه با هم دعوایشان شد، بعد فهمیدیم که در نظر از این اهل فضل خوشان مجرد هستند و اصلاً نسبت به امر ازدواج قصد و غرض سوه دارند. بعضی از حرفهایشان شنیدنی است (خوشانی مناسب تر است) اما به شرط آنکه ناظر و متاسب است. اسپهانیان را برایشیم و جای آن الف، ب، ج، گاشتم. (وضوح) که شش ضروری است که آقای الف – هیچ ربطی به آقای الف. ناشی ندارد) خیلی مختصر، مخلص کلام این بزرگواران را اینها نقل می کنیم و ضمناً قول می دهیم تا این حد جدی است. دست و پامان را کم کردیم که چه دوستمان آقای الف. شانی را منع کردیم که دیگر در آشیانه مهر راجع به زیرشماره راه انداختن و دامادی متوجه نباشد. به طراح میله هم سپردیم که برای این ستون پرواز لک لک ها در فریب آفتاب را نکشد. در اعضاء تحریریه هم سپردیم که



آقای ب: موضوع حضرتعالی در این خصوص شدت سلیبی است. به نظر بنده فردیتی که قرار است با یک ازدواج گروهی که بخاطر فقر و ناداری عروس و داماد انجام می شود، از این برود، همان بهتر که از این برود. شما ضرورت ها را نادیده می گیرید. آقای ج: به نظر حقیر، هرودی شما حرفهای کلی می زنید. البته من همیشه از تماشای ازدواجهای «کشنی وار» آزرده می شوم اما خیلی دوست دارم بدانم چگونه مراسم که در زاین و بعضی کشورهای اروپایی هم سابقه دارد چگونه آغاز می شود و به چه نحو ادامه می یابد. شاید برای درک موضوع لازم باشد یک بار در این مراسم شرکت کنیم (البته به عنوان میهمان). آقای الف: شما بهتر نیست راجع به فریبت قدری بیشتر توضیح بدهید؟ آقای الف: تکر می کنم که همه چه در تعبیر «کارخانه تولید عروس و داماد» نهفته است. بزرگواران ناچار هستند که با این عروس و دامادها مثل سه برخورد کنند. آنچنانکه یک زندگی برای زندگیاان صرفاً یک زینامی با شماره فلان است و آنچنانکه یک بیزار برای پرستار کلیک صرفاً یک بیمار تخت فلان است. این عروس و دامادها هم یکی از هزارها عروس و دامادی هستند که در مراسم شرکت کرده اند. نوعی کالا به شمار می روند. آقای ب: جسامت است اما به نظر من شما از لبلد ترکیب کارخانه تولید... فخره کید.



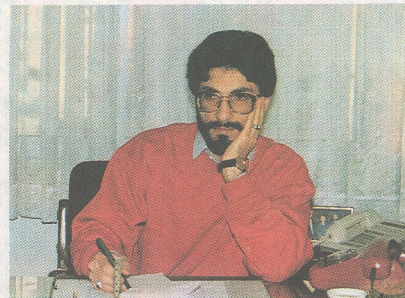
Advertisement for 'Best Quality' (بهترین انتخاب از ما) featuring a large image of a person and text describing the quality and variety of products offered.

Advertisement for 'Best Quality' (بهترین انتخاب از ما) featuring a large image of a person and text describing the quality and variety of products offered.

برنامه هایی برای غنای موسیقی کشور

گفت و گو با رضا مهدوی، مدیر پژوهش‌های کاربردی واحد موسیقی حوزه هنری

اشاره: برنامه‌های پژوهشی - آموزشی واحد موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با هدف شناخت قابلیت‌ها و امکانات موجود و تدوین دانش و دیگر ملل مسلمان و غیرمسلمان و اطلاعات کافی در مورد موسیقی ایران زمین و دیگر ملل مسلمان و غیرمسلمان و عرضه آن به مردم از سال ۱۳۷۰ در قالب ارائه برنامه‌های گوناگون و سلسله کنسرت‌های پژوهشی آغاز شده است. به منظور گامی از فعالیت‌های این بخش با رضا مهدوی، مدیر پژوهش‌های کاربردی حوزه هنری، گفت‌وگویی انجام داده ایم که به شرحه می‌باشد:



شهرستانها و مراکز علمی و دانشگاه‌ها از جمله نخستین فعالیت‌های این واحد به شمار می‌رود. در سال ۱۳۶۹ با تغییر مدیریت واحد موسیقی آقای جلیل پور، این واحد به بخش‌های مختلف و گسترده‌ای تقسیم شد و با دیدگاه جدیدی به کار خود ادامه داد.

در حال حاضر، چه بخش‌هایی در واحد موسیقی به فعالیت مشغول هستند؟

در حال حاضر، واحد موسیقی شامل این بخش‌هاست:

۱. بخش تولید هنری، که در جهت تولید و انتشار آثار شنیداری و موسیقایی مطابق با اصول فرهنگی و علایق مردم، در

نقشه‌های سبز

نوروزخوانی (ترانه‌های نوروزی و بهاری)، پژوهش: محمدرضا درویشی، تهران، نشر آرزویی، نوروز ۱۳۷۶، قطع جیبی کوچک، ۶۰ صفحه.

نوروزخوانی؛ اولین کتاب نوروزی موسیقی ایرانی است؛ کتاب کوچک آگاهی‌بخش، دسته گل کوچک، ظرفی و پربریگی است که به موقع به دست دوستداران رسیده است. بیست و پنج ترانه نوروزی و بهاری همراه با برخی اشعار، نت نویسی شده‌اند.

در اول کتاب «نوروزخوانی» مقدمه‌ای درباره جشن نوروز است و پس از آن، شرحی درباره نوروزخوانی و نسخه‌های نوروزی، آیین نوروزخوانی، ترانه‌های بهسازی و خصوصیاتشان، روش آرتانویسی در زیر نت‌ها و بالاخره، خود آهنگها نمونه ای از آنها چنین است:

آون من کم بیسم الله
بیسم الله چون اسم خدا
سر در من کیمه سلوم
سلوم من دایته جواب
علیک هستین دایته

صواب
فارس
فارسی
آون من کم بیسم الله
من گویم
چون بیسم الله نام
خداست
از جلو سر در سلام
من کتم
سلام من جوابی دارد
علیک گرفتن صواب
دارد.

آموزش - تشکیل جلسات پژوهشی ...
۷. ستاد جشنواره‌ها، که تاکنون سه جشنواره تحت عناوین نوازان (سال ۷۲)، هفت اورنگ (سال ۷۳) و آیین و آواز (سال ۷۴) برپا کرده است و سال آینده، ادامه جشنواره آیین و آواز (۷۵) و جشنواره موسیقی حساس ایران برگزار خواهد کرد. در این جشنواره، در واقع شاهد حضور نوازندگان خوانندگان گیتام و نای از سراسر ایران خواهیم بود.

۸. استودیوی موسیقی که یکی از مجهزترین استودیوهای موسیقی در ایران به سرپرستی جناب مهندس روشن و دو تن از بهترین صدابردارهای سابقه آفرین صغری و اردستانی به شمار می‌رود و در سال گذشته، راه اندازی شده است.

۹. انتشارات، که تاکنون چندین عنوان کتاب در زمینه موسیقی منتشر کرده است.

«قدری درباره برنامه‌ها و اهداف حوزه»

یکی از برنامه‌های ما این است که از روان شناسان برای بررسی ابعاد روان شناختی موسیقی دعوت کنیم، چرا که امروزه تأثیر موسیقی در درمان بسیاری از اختلالات روانی انسانی به نام پوشیده نیست. چند قرن پیش، یوهلی سینا برای مداوای بیماران خود از این شیوه سود می‌برد و امروزه در کشورهای پیشرفته در این زمینه بسیار کار می‌شود. در حال حاضر برخی از متخصصان و پزشکان ایرانی در حال فعالیت در بررسی روی آن هستند. پس، ما نیز باید در این زمینه فعال شویم و به بحث درباره ایام روان شناختی زیباییشناختی و جامعه‌شناسی موسیقی پردازیم. همچنین قصد داریم تا به ایراد سخنرانی و اجرای برنامه می‌پردازند. تاکنون در این برنامه‌ها، بسیاری از استادان قدیمی دعوت شده و درباره تجارب خود و اوضاع روز موسیقی، سخنرانی کرده‌اند.

ما نیز برنامه‌هایی برای آینده داریم؟

یکی از برنامه‌های ما این است که از روان‌شناسان برای بررسی ابعاد روان شناختی موسیقی دعوت کنیم؛ چرا که امروزه تأثیر موسیقی در درمان بسیاری از اختلالات روانی انسان بر نام پوشیده نیست. چند قرن پیش، یوهلی سینا برای مداوای بیماران خود از این شیوه سود می‌برد و امروزه در کشورهای پیشرفته در این زمینه بسیار کار می‌شود. در حال حاضر برخی از متخصصان و پزشکان ایرانی در حال فعالیت در بررسی روی آن هستند. پس، ما نیز باید در این زمینه فعال شویم و به بحث درباره ایام روان شناختی زیباییشناختی و جامعه‌شناسی موسیقی پردازیم. همچنین قصد داریم تا به ایراد سخنرانی و اجرای برنامه می‌پردازند. تاکنون در این برنامه‌ها، بسیاری از استادان قدیمی دعوت شده و درباره تجارب خود و اوضاع روز موسیقی، سخنرانی کرده‌اند.

مستویبی خودتان توضیح دهید.

□ این بخش فعالیت‌های زیادی دارد و برنامه‌های مختلفی را اجرا می‌کند؛ برای مثال، در تریبون آزاد که تقریباً هر ماه، در تالار آندیشه برپا می‌شود، استادان موسیقی به ایراد سخنرانی و اجرای برنامه می‌پردازند. تاکنون در این برنامه‌ها، بسیاری از استادان قدیمی دعوت شده و درباره تجارب خود و اوضاع روز موسیقی، سخنرانی کرده‌اند.

□ دیگر اهداف این بخش، شناسایی و جذب افراد متخصص در زمینه‌های مختلف است. بسیاری از هنرمندان توانا ولی گیتام بوده‌اند که در این مدت به وسیله گزارش‌ها و اخباری که از تریبون آزاد به آنان رسیده، وارد صحنه شده‌اند. مثلاً کسی تصور نمی‌کرد که

برای حفظ فضای سبز، نویسنده‌ها رابه دریا بریزند

به مناسبت یازدهم اسفند (روز درختکاری) ■ الف، نادری



یک فکر اساسی باید کرد. خطر اصلی، این نویسنده‌ها از خود راضی هستند؛ دشمن اصلی درختکاری توهم است و جنگلهای سرسبز. بعضی از آنها حاضرند بخاطر یک قصه کوتاه یک صفحه ای A4 (دو صفحه A5) قصه درخت افرا را مصرف کنند. نویسنده‌ها اصلاً موجودات مغربی هستند. من تا بحال هیچ نویسنده‌ای را ندیده‌ام که یک درخت بکارده و خودش کافه مصرفی خودش را تأمین کند. در عوض بسیاری از آنها را دیده‌ام که هر شب یک کیسه زیاده بزرگ کافه باطله تحویل رفته هر محله عموم مردم حضور داشته‌اند.

طبعاً آخرین آثار هر نویسنده برای نوشتن و چاپ پلک داستان صد صفحه‌ای قطع وزیری بین هزار تا هزار و هشتاد افرا دیوست ساله را مصرف می‌کند.

این صورت تعداد زیادی از رفته گرها می‌توانند وارد عرصه تولید و کشاورزی شوند. خیلی از ابزارهای بزرگ اطراف شهر هم که کافه‌لی‌ها و مکانیکال و پاروس توی دستمال پارچه‌ای فین نمی‌کنند، آنها برای یک زکام معمولی بسته دستمال کاغذی صندلی (دویست تا یک لای) را هدر می‌دهند. معالرت می‌خواهم که قدری عصبانی و بی ادب شده‌ام اما بالاخره یکی باید از فضای سبز و محیط زیست دفاع کند. من مطمئن هستم که اگر نویسنده‌ها را به دریا

الیه شاید گمان کنید من آدم بی رحمی هستم اما باور بفرمائید راه دیگری وجود

ندارد. حتی اگر به همه اینها کامپیوتر هم بدهد، مصرف کاغذشان پائین نخواهد آمد و تازه مصرف فوترها هم افزایش می‌یابد که خود را عناصر تأثیرگذار در تخریب لایه اوزون تحریر ۷۰ نگهداری می‌کنند، می‌تواند تخلیه و تخریب شده و به فضای سبز تبدیل شود و قش علی‌هذا.

الیه شاید گمان کنید من آدم بی رحمی هستم اما باور بفرمائید راه دیگری وجود

ک

گردشگری و گردشگران

به گفته معاونت سیاحت و زارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران دهمین کشور گردشگری جهان است؛ اینکه ایران چندین کشور است و در چه مقیاسی این انتخاب صورت گرفته و ... مهم نیست. حتی این هم مهم نیست که ایران چه جاذبه‌هایی دارد و چگونه می‌تواند به صنعت گردشگری رونق ببخشد. مهم بکارگیری واژه مانوس، زیبا و خوش‌آهنگ گردشگری و گردشگران است. جداً که خدا به همه عزیزیان و هفتصد افرا دیوست ساله را مصرف می‌کند. البته اداراتی مثل میزبانی و امور مربوط به اهل قلم و ... وظیفه نگهداری از فضای سبز را نیز در دستور کار خود دارند اما با همه اینها تاکنون هیچ راه درست و منطقی و مفید قابله‌ای به ذهن آنها نرسیده است. لذا پیشنهاد حقیر تنها از سر دلوسوزی برای آینده زمین است و نه دشمنی با نویسنده‌ها.

جمع تبلیغاتی

سوره

مجتمع تبلیغاتی سوره

حوزه هنری

جامعه سالم، تبلیغات سالم

مشاوره، طراحی، اجرا، ارزیابی، تحقق اهداف

با ما در تماس باشید

تجربه، تعهد، تخصص

دست‌آوردی از هجده سال تلاش

همگام با ارزشها و آرمانهای نظام

در عرصه‌های فرهنگ و هنر

آدرس: ابتدای نجات‌اللهی - کوی سلمان پاک - پلاک ۳۴ - تلفن ۹-۸۸۱۰۷۰۸، فاکس ۸۸۰۹۹۱۳

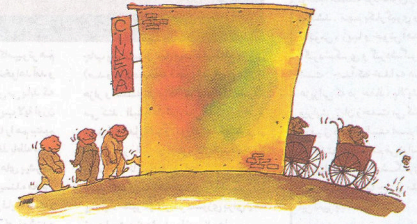
ماینون آلات پیشرفته توأم با تخصص و تجربه ما پیشرفته‌ای مطمئن جهت تأمین نیاز شما در زمینه انواع سیم و کابل می‌باشد

تهران سیمین‌فار

TEHRAN SIMINFAR

آماتورسیم و عواقب آن

یک بررسی آماری در سینمای پس از انقلاب، نشان می دهد که بیش از صد فیلساز، تنها یک بار اقدام به فعالیت سینمایی کرده و پس از آن برای همیشه به حاشیه رفته و با دنیای فیلسازی وادع کرده اند. عمده این فیلسازان تک فیلسفی جوانان بی تجربه ای بوده اند که بدون طی مقدمات و کسب تجربه، وارد حیطه سینمایی حرفه ای شده و پس از همان اولین تجربه، توجه شده که مسیر اشتباهی پیموه اند. در جشنواره پانزدهم فیلم فجر، تعداد کارگردانان جوانی که برای اولین بار فیلم ساخته اند، چیزی به حدود چهل درصد کل



اغلب جوانان تازه کار جشنواره پانزدهم، فاقد مهارت و دانش لازم برای ساختن يك فيلم سازنده ميلي متري تجربی بودند و با این وجود، سرمایه های میلیونی در اختیار آنان نهاده شده بود تا फिल्ماي بی رفق، ابتدایی و بدون مخاطب به آثار تولیدات سینمای ایران بیفزایند.

فیلسازان حاضر در جشنواره را شامل می شود. این رقم بالای حضور فیلم اولی در سینمای ایران، گرچه از سوی برخی جوان گرای و توجه به استعدادهای جوان کلمداد می شود، در حقیقت نشانه غیر حرفه ای بودن و بی برنامه گی سینمای کشور است.

سینمای حرفه ای، هنر - صنعت پرهزینه ای است و مجالی برای کسب تجربیات اولیه باقی نمی گذارد. گرچه توجه به استعدادهای جدید لازم است، نباید به قیمت کناره گیری فیلسازان حرفه ای و هدر رفتن سرمایه های سینمای کشور تمام شود. انجمن سینمای جوان، مراکز مختلف

دین از چشم سینما



دومین هم اندیشی «دین از چشم سینما» از ۲۳ الی ۲۷ فروردین ماه در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد. طی پنج روز سمینار، هفته نامه مهر پنج ویژه نامه با موضوع «فیلم های منتشره در صفحه های این ویزه نامه ها از دست اندکاران دینی همان سینمای اسلامی است؟» - ۱ آیا سینمای دینی همان سینمای اسلامی است؟ - ۲ آیا هر فیلمی که مطابق ضوابط موجود ساخته شود، یک فیلم دینی است؟ - ۳ نمونه های موفق فیلم های دینی در سینمای ایران و جهان کدامند؟ پاسخ دوستان به این پرسشها را به تدریج در همین صفحه می خوانید.

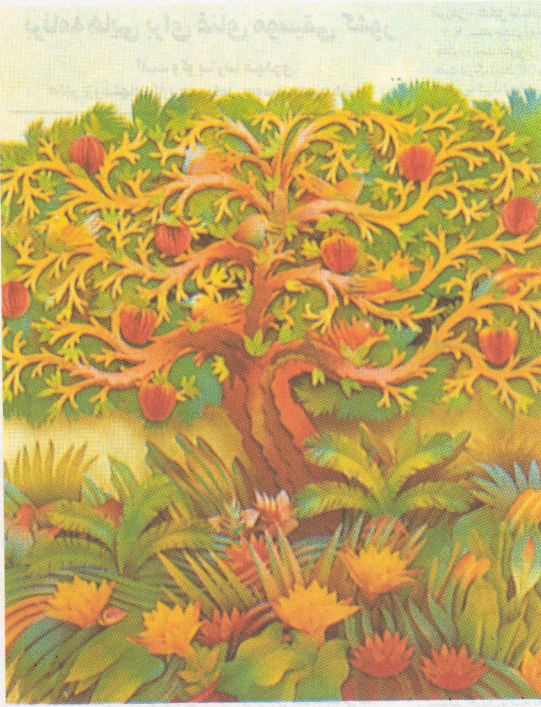
نه! نداییم! سینما... داد (کارگردان)

۱- خیر. ۲- خیر. ۳- در میان فیلم های ایرانی، فیلمی را سراغ ندم.

انصاف داشته باشیم (فیلمنامه نویس)

۱- اجازه بهمدید پیش از پاسخ به پرسش شما مقدمه مختصری عرض کنم. دین، گونه ای نگاه به جهان است که به گونه ای نظر وجود خداوند، غیب و آخرت باشد - تأکید می کنم که به گونه ای. اسلام دینی است از مجموعه ادیان زنده جهان که به گونه ای ویژه به جهان می نگرد؛ خدایی که می شناساند، غیبی که تصویر می کند و آخرتی که بشارت و انداز می دهد. این خواست خود اسلام است که با سایر ادیان، نه لزوماً مخالف، بلکه متفاوت باشد. حال اگر فیلمی ساخته شود که ناظر به این سه عنوان باشد - خارج از این که کدام زاویه بنگرد - اساساً دینی است و اگر قلمی ساخته شود که خصوصاً از دیدگاه اسلام به این سه عنوان بنگرد، اسلامی است. در این صورت اگر تریزی را،

نقائیل هاوون دیوید سوان ترجمه: نازی قلی



بخش اول ما دربارهٔ وقایعی که مراحل مختلف زندگی مان را تحت تأثیر قرار می دهند، چیز زیادی نمی دانیم؛ و آمیخته ای ملموسی که گاهی بدون نتیجه آشکار یا نشانه ای از کنارمان می گذرند. اگر انسان تمام تغییرات احتمالی در سرنوشته خویش را می دانست، زندگی آن چنان پر از امید و بیم، شگفتی و نویدی می شد که دمی به ما فرصت آرامش نمی داد. این مطلب را می توانیم با مشاهده رنگی از دفتر زندگی دیوید سوان، نشان

دیوید بیست سه از خانه به نزد عمویش در بوستون می رود. عمو ی او کاری برای او در فروشگاه خود در نظر گرفته است. از دیوید همین را می دانیم که اصل ایالت «نیو همپشایر» است. پدر و مادر خوبی دارد و تحصیلات متوسطه را گذرانده است. آن روز، یک روز گرم تابستانی بود و او پس از آنکه تا ظهر پلاجه روی کرد، خسته شد و به دنبال سایه درختی گشت تا کمی استراحت کند و منتظر دلچسپانی شود تا بقیه راه را سواره طی کند. به زودی به نقطه مناسبی نزدیک چشمه آبی رسید. جای آرام و خنکی بود. لب چشمه نشست و با عطش بسیار از آب خنک آن نوشید. سپس روی زمین صاف دراز کشید و سرش را روی بقیچه کوچک لباسهایش گذاشت و به خواب عمیقی فرو رفت.

وقتی خوابیده بود، آنهمای زیادی از کنارش گذشتند، عده ای پیاده و عده ای سوار بر اسب. بعضیها سرشان توی لایا خودشان بود و بعضیها وقتی از کنار دیوید می گذشتند، نیم نگاهی به او می انداختند و عده دیگری از دین او که آن طور آرام خوابیده بود، خنده شان می گرفت. یک بیوه میانسال با مهربانی به او نگاه کرد و با خود گفت: «چقدر جلباب است!» کشیشی که به شدت مخالف ترویش مشروبات الکلی بود، با دین او فکر کرد که مشروب نوشیده است و یکشنبه هفته بعد در سخرانی خود در کلیسا، دیوید بتورا تأکیر کرد.

چند دقیقه بیشتر از خواب دیوید نگذاشته بود که یک کالسکه اشرفی او سپ، در جلوی او توقف کرد. پای یکی از اسبها زخمی شده بود و باید کمی استراحت می کرد. یک تاجر میانسال و همسرش از کالسکه بیرون آمدند تا در زیر سایه درختان استراحت کنند. آنها در کنار چشمه، متوجه دیوید شدند که خوابیده بود. خیلی آرام حرکت کردند و سرور صدا نکرد و او را بیدار نکردند. «چقدر خوب خوابیده. کاش من هم می توانستم مثل او بخوابم. چنین خوابی بدون کمک داروهای خواب تور، نشانه صلاح و تکرر آرام و آسوده است.» همسرش گفت: «او همچنین جوانی. آنهمای پیری مثل ما، هرگز نمی توانند این طور بخوابند.»

بخش دوم زوج میانسال به دیوید که آن طور آرام خوابیده بود، علاقه مند شدند تا اینکه زن به شوهرش گفت: «به نظر من او خیلی به پسر عزیزمان شبیه است. می شود بیدارش کنیم؟» مرد گفت: «برای چی؟ ما چیزی از او نمی دانیم.» زن با صدای آرام جواب داد: «این چه درستانکار، این خواب مصمصومانه.» در خلال این گفت و گو، دیوید عمیقاً در خواب بود و از وجود آن زوج که آن طریقه مشتاقانه به او می نگریستند، خبر نداشت. بخت و اقبال خیلی به او نزدیک شده بود. زیرا مردم و همسرش فروتن بودند و به نازگی تنها پرسشان را از دست داده بودند و واری نداشتند. مردم در چنین مواردی، معمولاً دست به کارهای عجیبی می زنند. کاری عجیب تر از بیدار کردن مردی جوان و پلیرفتن او به عنوان فرزندخوانده. زن دوباره گفت: «می شود بیدارش کنیم؟» در این هنگام راننده گفت: «فریان اسبها آماده اند.»

زوج پیر با تمجیب به هم نگریستند و با شتاب به طرف کالسکه رفتند و در ادامه راه فکر که دیوید را وارث خویش کنند به نظرشان کاملاً مستحضر آمد و شگفتی یکد شدند که چطور چنین فکر عجیبی به سرشان زد. کسی بعد، مرد به همسرش گفت: «فصد جارد تمجیب رویش را صرف تأسیس یک بنگاه خیریه کند. دیوید هنوز آرام خوابیده بود.

پیش از پنج دقیقه نگذاشته بود که دختر جوان و زیبایی به کنار چشمه آمد. او یک سبک قدم می داشت از دین دیوید

که آنجا خوابیده بود، جا خود. حسن کرد بدون اجازه وارد اتاق خواب نجیب زاده ای شده است. وقتی خواست آسته از آنجا برود، دید مگس بزرگی دور سر جوان وزوز می کند. سریع ولی آرام با دستمالش به مگس حمله کرد و آن را دور ساست. چه منظره ترسناکی! با مهربانی به دیوید نگاه کرد. دیوید تکان نخورد. لبخندش نود. هیچ نشانی از قدرتی او درخشانند در چهره اش نمایان نشد. شاید آن دختر، دختر رویاهای او بود. شاید اگر بیدارش می شد و با آن دختر صحبت می کرد، می توانست زندگی خوشی با او داشته باشد. دختر دوباره گفت: «چقدر آرام خوابیده.»

او از آنجا رفت، ولی این بار به فکر فرو رفته بود و دیگر آرام و سبک قدم بر نمی داشت. پدر آن دختر مالک فروشگاه بزرگی در آن نزدیکی بود ویه دنبال مرد جوانی می گشت که در کار فروشگاه به او کمک کند. او فکر بیدارش می شد و با دختر جوان آشنا می شد. شاید می توانست در فروشگاه پدر او را کند. ممکن بود پدرش ازدواج کرده و شغل پدر او را دنبال کند. در اینجا نیز بخت و اقبال به سراغ دیوید آمد و تقریباً او را لمس کرد، ولی خیلی زود ناپدید شد.

بخش سوم هنوز دختر کاملاً دور نشده بود که دو راهن به آن نقطه آمدند تا در زیر سایه درختان استراحت کنند. آنها سبه چرده بودند، لباسهای کهنه به تن داشتند و کلاهشان را تا روی چشمه پاشان پایین کشیده بودند. وقتی دیوید را دیدند، یکی از آنها به دیگری گفت: «نگاه کن... آن بسته را زیر سرش می بینی؟» - آره. ممکنه کیف پولی، چیزی توش باشه. شاید هم توی جیبش پول داشته باشه.

ولی که گیدار شد؟ رفیقش چاقوی بزرگی از خلاف درآورد و به طرف دیوید نشانه گرفت و گفت: «دبا این ازش پلیرایی می کنیم.» آنها به دیوید نزدیک شدند و خواستند بسته را از زیر سرش



یک تکه از آسمان رحمت حق یاور چاپ اول: ۱۳۷۵ / تیراز: ۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه انتشارات سوره.

مجموعه ای از شعرهای کوتاه با مضامین طبیعت و مادر و زیباییهای زندگی است که به کوشش گروه شعر حوزه هنری منتشر شده است.



تأملی در نقد و شعر ماصاران چاپ اول: ۱۳۷۵ / تیراز: ۳۳۰۰ نسخه / مؤسسه انتشارات سوره.

تأملی در نقد و شعر ماصاران (۱) مجموعه هفت مقاله است که در آنها گذشته و حال نقدی - با تأکید بر نقد شعر - نگاه شده است: پیوه نقد، مصیبت نقد، نقد و خرافه ها، نقد شعر و شاعر، در روش شناسی نقد، اندکی از نقد ماصاران و مقدمه ای بر نقد شعر این سالها.

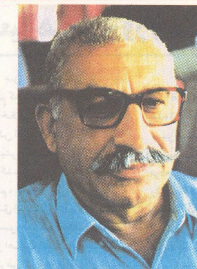


مجموعه ای از شعرهای کوتاه با مضامین طبیعت و مادر و زیباییهای زندگی است که به کوشش گروه شعر حوزه هنری منتشر شده است.

داستان کوتاهی است درباره جنگ برای کودکان و نوجوانان که واحد کودک و نوجوان دفتر ادبیات و مشاورت حوزه هنری منتشر کرده است.

مردی در تبعید ابدی

گفتگو با نادر ابراهیمی به بهانه انتشار «مردی در تبعید ابدی»



«آقای ابراهیمی، اخیراً کتاب «مردی در تبعید ابدی» را از شما دیدم. نوشتن داستان‌های زندگی سرشار از بزرگی بودن میندرا، کارشکنی‌های پیوسته‌اش، به استخوان‌لرزه آندیشیدند. این، همین جهت، سؤال اول من از شما این است که در نوشتن داستان زندگی شخصیت‌های دور از دسترس که کمتر می‌توانیم راجع به آنها تحقیق کنیم، چه مشکلات خاصی وجود دارد؟ این سؤال را می‌توانست حد نوشتن داستان و ساختن فیلم از شخصیت‌های چون لئو و اولیاء الله که امروزه قدری روی پرده کرده است، تمییم داد.

این گفتگو رایج من است که در عصر ما، جایگاه قهور عمومی و توده ای فاسد، یوید، تکرار کرد...

حار روی ساختمان، اولین مرحله از مراحل اخلاقی است. شخصیت را می‌شناسی؛ با او همدم و همراهی، حوادث را می‌دانی؛ ماجراها را لمس کرده‌ای، اما نمی‌توانی بدانی، بدون یک استخوان پنهانی در دست و استوار، به هیچ دردی باطل کردن کاغذ نمی‌خورند. وقتی ساختمان را بافتی، یعنی به مشکل ساختن است، یعنی بافتی، چه باقی می‌ماند؟ تمرکز. مسلماً تو در طول این راه، زبان را یافته‌ای. می‌دانی که باید زیادت، کمی نزدیک به زبان صفویه باشد، کمی نزدیک به زبان امروز، و کمی نزدیک به زبان شخصیت اصلی؛ ملاً صفویه - من - زبان مورد نظر.

خب... بلیه می‌ست که گیر محتوایی و فلسفی پیدا نمی‌کنی، مگر اینکه مثل من، با فرهنگ ملأصلدر، با فلسفه او، با زبان او، با نگره‌های او غریبه بوده باشی. در این زمینه هم بزده‌ها، علم و هنر، به یک به سهم خوشی، کمکت می‌کنند. همان بحث پوله کردن است. بعد، ابزار ساختن، همه آماده کرده‌ای. اینجا دیگر باید از جان‌سایه بگذاری؛ از روح، از عاطفه، اینجا دیگر باید قطره قطره بچسبی؛ قطره قطره. باید مذاب بودی. طلبدی کردن، شیشه و سلیم، گوش سیزد، پرسیدن، پوله کردن، لجاج، زنده سالم می‌تواند بچسبد، خون بخوایی،

برای آنکه به بزرگی برسد، راهی را بپیمود است دشوار، کوشیده سرشار از درد، و آن‌گاه به نقطه‌ای رسیده است که آرزوهای مطلوب به یک بزرگی راه برتری، نشان دادن راهی که بزرگی را به بزرگی رسانده است، در واقع، نشان دادن راه و رساله زندگی است به انسانهایی که مایل به حرکت باشند. اما آن را مشکل» می‌پندارد و همین دلیل بر جانب این راه می‌رود.

تغی بزنی و خون بخوایی... دیگر، به نظرم، تمام است. یک روز، با یک شب، خسته، درم کوفته، متلاشی، له، در آستانه جوش، قلم را زمین می‌گذاری. اگر فلان بازرگانی، می‌توانی فریاد بدی که تمام شد... و اگر بسته باشی، می‌توانی می‌دانی، زار زار گریه کنی. این نوعی گریستن است که نه از شادی ست، نه از غم.

خب... به همین فریب، هر کاری شدنی ست - اگر احساسی از تو باقی ماند، همه کاری، نوشتن زندگی آسمان هم شدنی ست، البته هم، فلاحه هم، شاعران و خالقان بزرگ هم، زندگی ساده یک کارگر ساده، که سرشار از ظهارت و عظمت است، چگونه روی موی او رود، و غطرش سقوط و تن سپردن و عاشقانه رفتن. به چه کجا می‌خواهی بروی؟ قطعاً اگر زنده بمانی، خواهی رفت.

بگفاری که به نحو دیگری از شما سؤال کنیم. آیا به نظر شما، زندگی بزرگان و مردم وحش ما، قابلیت داستان شدن را دارد؟ یک وقت هست که ما کتابی بزرگان را به تاسی از تخصص قرآن حکایت می‌کنیم، ولی یک وقت هست که می‌خواهیم در مورد آنها رمان یا داستان بلند بنویسیم یا فیلم بنماییم. بسیاریم، آیا ما مجاز هستیم که وارد خلوت آنها شویم و شخصیت آنها را متناسب اسیرول شخصیت برداری، بپردازیم؟ مشکل» مورد نظر من اینجاست، اولاً، با شما موافقم که هنر چیز شدنی است. بزرگان، ساختن فیلم درباره ایشان با نوشتن داستان زندگی شان، ایضا، از این نظر ضرورت است و لازم و پایدار، که به درآسان می‌خورد؛ یعنی جوانان را به کار می‌آید، یعنی فلرت برانگیزی و حرکت بخشی دارد. مسلم است که هر بزرگی، بنابراین، اگر ما ممتدانه و مؤمنانه به

ممارست و فن، قدری هم نمک وجود

گفت‌وگو با محمدرضا شریفی‌نیا

عشق می‌ورزم و امیدم که این فن شریف

چون هنرهای دگر موجب حرمان نشون



آشاره: محمدرضا شریفی‌نیا، نیا، این اواخر خیلی معروف شده است، بیشتر به واسطه بازی در نقش و فن، توی سیمای ما هرچای دیگری ظاهر شود، از چه‌جا دیستانی و خانمهای خانه دار گرفته تا دانشجوهایی رشته‌های هنری... او را به یکدیگر نشان می‌دهند و می‌گویند: اولیدی می‌بینی؟ بعضی‌ها هم هستند که عزا و عروسی نمی‌شناسند. هرچای او را ببینند از جام می‌کنند و امضاء گرفتند و الباقی قضایا... شریفی‌نیا آدم

معمولاً در فیلم‌ها که حضور داشته باشی، چند بار افسانه‌ها را تکرار می‌شود. یک بار به عنوان مستیار، یک بار به عنوان مدیر تولید، و چند بار هم به عنوان طراح تیزر و عکاس زندگی بزرگان. همین از روشی با شما صحبت کنیم به چه عنوانی بهتر است و شما راحت‌تر هستید؟



عروض شبی که کار تخصصی در زمینه‌های علمی یا تخصصی در رشته‌های فرهنگی و هنری متفاوت است. کسی که در علم ریاضی تخصص دارد، شاید لازم نباشد که به علوم دیگر در حد تخصص مسلط باشد ولی در رشته‌های هنر، شکل قضایا فرق می‌کند. یک کارگردان لازم نیست موسیقیدان باشد ولی باید موسیقی را کامل بشناسد، از طراحی صحنه و کارپردازی و عکاسی سردر بیاید، فیلمبرداری و بازیگری را بلد باشد. نوشتند که کارگردان محور مسئولیتی است که تمامی این هنرها را دربرمی‌گیرد. من نیز از افرادی هستم که کار در گروه کارگردانی است و قائم مقام کارگردان هستم. حتماً باید با همه رشته‌های هنر سرکار داشته باشم. در حد بسیار بالای آموزش دیده باشم. همین هدایت خودم است که تمام جنبه‌های فنی و فنی‌های من را در اختیار می‌گیرد. کارگردانی را می‌توانید در هر مورد سؤال کنید.

وقتی قرار است از خودتون جدا شوی و قرار دیگری ظاهر شوی باید فن داشته باشی.

مجلس آرای و خلاصه‌صاحب با تو خوش می‌گذرد. نمی‌دانم که شما از مصاحبت با ولید کار نامش و بازیگری لحن و حالت» و «مستر» وجود بازیگر مهم‌تر از «عقلیه» انکاری است که به زبان می‌آورد.

ببینید مهم نیست که من نقش مثبت بازی می‌کنم یا نقش منفی. برای اینکه من بتوانم درست بازی کنم در چه‌جا باید شخصیت مورد نظر را پاره کنم. تا بتوانم او را درست بشناسم. شاید من باید تا این حد

فکر کنم... که کاری به نقش‌های دیگر فیلم نداشته باشم مهم است که کاراکتری را که من بازی می‌کنم، قبول داشته باشم. من این‌گونه تازس اولویته را در مورد بازیگری کاملاً قبول دارم که بازیگری یعنی هنر متعاقد کردن برای اینکه بازیگر بتواند نماشاگر را متقاعد کند ابتدا باید خودش متقاعد شود. وقتی وقتی قرار باشد نقش را از شما این است س می‌کنم به قسم که نقش را کاراکتر آنطور است که هست و وقتی فهمیدم باید بازیگر نقش را طوری بازی می‌کنم که تماشاگر هم او را بپذیرد. حال ممکن است این کاراکتر مثبت باشد و یا ممکن است منفی باشد. ولی در هر دو صورت باید جذاب باشد. تا تماشاگر حتی برای یک لحظه از او چشم‌پوشد.

خب حالا می‌رسیم به اصل مطلب! چرا بازیگران نقش‌های مثبت کمتر جلب و چپا قلمه از بازیگران منفی می‌کشند؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

نگاره‌های سنتی و

هیبت داری بهمانندت... که کاری به نقش‌های دیگر فیلم نداشته باشم مهم است که کاراکتری را که من بازی می‌کنم، قبول داشته باشم. من این‌گونه تازس اولویته را در مورد بازیگری کاملاً قبول دارم که بازیگری یعنی هنر متعاقد کردن برای اینکه بازیگر بتواند نماشاگر را متقاعد کند ابتدا باید خودش متقاعد شود. وقتی وقتی قرار باشد نقش را از شما این است س می‌کنم به قسم که نقش را کاراکتر آنطور است که هست و وقتی فهمیدم باید بازیگر نقش را طوری بازی می‌کنم که تماشاگر هم او را بپذیرد. حال ممکن است این کاراکتر مثبت باشد و یا ممکن است منفی باشد. ولی در هر دو صورت باید جذاب باشد. تا تماشاگر حتی برای یک لحظه از او چشم‌پوشد.

خب حالا می‌رسیم به اصل مطلب! چرا بازیگران نقش‌های مثبت کمتر جلب و چپا قلمه از بازیگران منفی می‌کشند؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

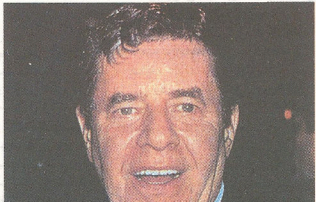
باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

باز بزرگان توانایی بوده‌اند و انتظار می‌رفت لذت‌شان از این باشد. فکر کار به نظر من کم است؟

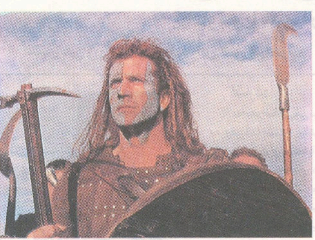


نویسندگان فیلمنامه: دیوید شفیله، تباری و... ویلاستین، استیوآوردکوک و تام شدیان (بر اساس فیلم ای جری لوئیس)، موسیقی: دیوید نیومن، مدیر فیلمبرداری: جولیو مسکات، تدوین: دان زیمزمن، بازیگران: ادی مورفی، جادا پینکت، جیمز کابرن، لاری میلر، دیو چابهل، جان آلی، ۹۵ دقیقه.

شرمن، پرفسور شیمی خجالتی و بسیار چاقی است که به دختری به نام کارلا علاقه مند می شود. ظاهر شرمن، یاد شده قرار بگیرد و سعی برای رسیدن به تناسب اندام، به جای نمی رسد. او با استفاده از معجون جادویی، به شکل ظاهر خود خود را فدای آبادی لاو می نماید. شرمن ظاهراً به چیزهایی که می خوانسته رسیده است، در باره رفته رفته تحمل کند لای، برایش مشکل می شود. در مراسمی، در حضور پدر و مادر و کارلا، قضیه روشن می شود. شرمن پس از اعتراف، با ناراحتی آنجا را ترک می کند، اما کارلا او را بازگرداند.

آخرین شب بازیابی آثار موق تاریخ سینما، بالا گرفته است. طی یک دو سال اخیر، چند فیلم عظیم از روی نسخه های کلاسیک ساخته شده که از جمله بهترین آنها می توان به فیلمان ستفان و ساوبرینا اشاره کرد. سیطان مستغان نسخه جدید، حتی در نمایش می مقلد نسخه شاهکار هاندی ژوز کلوئیز است. تنها تغییر نسبت به نسخه اول، گرایش فیمینیستی در سبندی پرولاک است. نیز یک ساریاتی خسته کننده ارائه کرده که به شواری می توان تا به انتها تماشا کرد.

در دهه این بازیابها، آخرین مورد، پرفسور نژاده است که از روی یکی از بهترین آثار جری لوئیس ساخته شده. فیلمهای لوئیس به زحم فرانسوی ها، شاکهارهای بالاتر از همه ای هستند، اما آسرتیکها می از اینها، به عنوان توجیه به جری لوئیس نداشته اند. ساریس می نویسد: «منتقدان



فیلمنامه نویس: رانالد والس/ موسیقی: جیمز هرز/ بازیگران: مل گیسون، سوفی مارکیو، پائسلیک ای جری لوئیس، مک کارمک/ آمریکا - ۱۹۹۵/ ۱۷۸ دقیقه

سوانحی که گروه تولیدی شجاع دل با آن روبه رو میوند به سختی موانع ویلیام والاس، فرمان اسکاتلندی آریخواه در راه آزادی مردمش از توج نم انگلستان نبود. اما این قصه تاریخی سه ساعتی که برنامه طاقت فرس، چندانی برای کوئینز سر منتقدان آمریکایی استفاده کرده ... آن آن برمی گردد (شاید وجه مشترک همه سینما مستندی را در مورد آمریکایی ما تکرار می کنند که به تازمه و تحلیل هنر متعلق به سرزمین خود، مدتی در کشور می شود که همه کافه، انتظار او را می کشند تا بر روی «صحنه» بیاید و همه تورا فقط او را روشن کنند (نمایش) سینما تا «بازی» کند. این مایه مهم در فیلم لوئیس که حتی باعث شده همگه، فیلم از حالت محدودت بیرون بیاید و وجهی کاملاً

مضمون فیلم به نوعی همان قصه تاریخی است ذهن هر کسی را به خود مشغول کند.

مضمون فیلم به نوعی همان قصه قدیمی دکتر سیکول و آقای هاید است؛ مضمونی که ممکن است ذهن هر کسی را به خود مشغول کند، اینکه ذات بد خوب انسان، دوموچو چاد از بد باشد می توان به فیلمان ستفان و ساوبرینا اشاره کرد. سیطان مستغان نسخه جدید، حتی در نمایش می مقلد نسخه شاهکار هاندی ژوز کلوئیز است. تنها تغییر نسبت به نسخه اول، گرایش فیمینیستی در سبندی پرولاک است. نیز یک ساریاتی خسته کننده ارائه کرده که به شواری می توان تا به انتها تماشا کرد.

در دهه این بازیابها، آخرین مورد، پرفسور نژاده است که از روی یکی از بهترین آثار جری لوئیس ساخته شده. فیلمهای لوئیس به زحم فرانسوی ها، شاکهارهای بالاتر از همه ای هستند، اما آسرتیکها می از اینها، به عنوان توجیه به جری لوئیس نداشته اند. ساریس می نویسد: «منتقدان

بیشتر وقتها، صفت «اولین» نوعی اغماض و چشم پوشی را برای موصوف خود به همراه می آورد؛ مانند اینکه بگویم «این همه، اولین اثر در نوع خود است یا اولین بار است که ...» و بعد در مقابل، انبوه مضامین و مشکلات اثر را در نظر نیآوریم. «اولین» ساخته محمدحسین لطیفی که اتفاقاً «اولین» فیلم ایرانی بر پایه سببلیات اوپنل میل هم هست، از این قاعده مستثنی نیست. تا آن حد که برخی از فیلم را اثری نمونه ای در سینمای ایران خوانده اند. و عده ای کار او در اندازه های یک شاهکار می بینند.



راه می افتاد. به وجود این زمینه آفته، فیلم به شخصیتها متکی است. وقتی من برای مقدمات کار به تهران می آمدم، نام ساختن مکه در راه افسانه های بازی دردیافت کرده، می گوید: «برداشت اولیه من از لشکر شهبازان را شامل می شد، نهایت شور و تلاش لیسمازان را واقعی از خشونت و طبیعت بود. طبع داستان، تمایل زیادی به چنین زندگی در قرن سیزدهم چگونه بوده است.»

تولد صحنه های مکه در طول اسکاتلند، شش هفته به طول انجامید و شامل پیچگی آثار شامل اعلام داروفه منطقه می شد. طی بخش مسابقه بین الملل بودند، بیست و چهار فیلم که حدود نیمی از آنان ویدئو هستند، به این بخش مسابقه را یافتند. در این بخش، سی و هفت فیلم از چهارده کشور متقاضی حضور در جشنواره بودند که پنج فیلم می گوید: «برنامه ما چنین بود؛ صبر می کردیم تا فیلم بارن بایستد و در آن زمان خورشید، خلیج متناق بود که تصویر شجاع اگر در فکر برداری از آب در برآید. این شد که سسی مار آن گشتن تیزبازبگاران را در قرن سیزدهم غوطه ور کنیم. همه عناصر بصری را چنان به کار بگیریم که باعث شود، قصه را در فضایی آکنده از منظر و احساس خشن و بدوی اسکاتلند قرن وسطی حس کنند... ما انتخاب همسکاری با گروه خلاق و خوش ذوقی را که سرگردآورده بود، داشتیم؛ طراح تولید: تام سنترز، چارلز نایه به عنوان (مدار

سرعت بر اساس اصرار آگای میرزا، مدیر تولید تهران اثر، و این است، نوع سینما سازی نمی شود. لطیفی در بی روزی ساختن امری، چشم سینمای حادثه ای هالیوود دوخته و در این مسیر، تمامی تلاش گروه همکارانش را به کار گرفته است.

مقدمه ای برای معرفی فرمان فیلم، شعله ور کردن میدان رقابت میان او و دیگری (که علی القاعده، امیر ناجی نورد است)،

من جزو گروهی از آمهها هستم که با سانسور (چه سیاسی و چه اخلاقی) کاملاً موافق هستم. ممکن است اصلاً موافقت من اهمیت نداشته باشد، اما فکر می کنم گروهی که من جزو آن هستم، گروه بزرگی باشد و لاجرم توافق این گروه درباره مسئله سانسور (به هر شکلش) خیلی حائز اهمیت است. این چند سطر را عرض کردم تا در قیل آن اضافه کنم که تلویزیون از بابت سانسور، شورش را در آورده و بنده او آن گروه ملگور را کلافه کرده است. مقرر، هیئت انتخاب، با این موضوعات در میان شخصیتها دسترنج جدیدی بنویسند. مونسورهای خوب هم داریم که می توانند بر اساس داستان جدید، نماها و سانسو ها را جایگزین کنند. در حال حاضر تقریباً همه کار به صورت ضرب الاجل و غیر حرفه ای و حساب نشده با یک DFS 500

معمولی انجام می شود. ۳- می توانیم به جای فیلم سینمایی و سریال خارجی، کارتونهای بسیار اخلاقی و مؤدبه از قیل نیکو و ای کی یوسان نشان صرف نظر می کنیم.

ساعت فقط برنامه کودک پخش می شد. یک برنامه ساخته بودند، خیلی بزم بود. اسمش بود ایک چشم گلیان، یک چشم آکبالو، یکی در میون مگولیتا. تازه از مصرف نشده. جان تو، کل حال کردیم. برنامه های طنز هم که نبود اصلاً. همه چیز امن و امان. ساعت خوشی ما بودند، سلام تهرانی ما بودند، تازه اکثر جدیدی چهارده کشور متقاضی حضور در جشنواره بودند که پنج فیلم می گوید: «برنامه ما چنین بود؛ صبر می کردیم تا فیلم بارن بایستد و در آن زمان خورشید، خلیج متناق بود که تصویر شجاع اگر در فکر برداری از آب در برآید. این شد که سسی مار آن گشتن تیزبازبگاران را در قرن سیزدهم غوطه ور کنیم. همه عناصر بصری را چنان به کار بگیریم که باعث شود، قصه را در فضایی آکنده از منظر و احساس خشن و بدوی اسکاتلند قرن وسطی حس کنند... ما انتخاب همسکاری با گروه خلاق و خوش ذوقی را که سرگردآورده بود، داشتیم؛ طراح تولید: تام سنترز، چارلز نایه به عنوان (مدار

اصفاً شبکه چهار، شبکه خوبی است. به خاطر تکیه برودن برنامه هایش عرض نمی کنم. تقریباً شبکه های است که در شبکه چهار پخش می کنند. معلوم است می خواهد چه کند. حتی وقتی قرار است فیلم سینمایی پخش کنند، فیلمهای گروه در میان مخاطبین تلویزیون هستند. هر شبی که پخش می کنند، شبکه پنج کسانی هستند که مسابقات تریک ای دوست دارند. مردم باید به این جای خود از استکان کسر باریک لب طلائی متعارف کرده، نتاثر ارجام صدی نشانشان داد، و برای خنداندنشان گروهی را مستعدمانی خارجی و تلویذاتی داخلی این شبکه تقریباً بهترین اثری پخش شده در سال گذشته اند. ضمناً از ویژگی های خوب این شبکه، نداشتن مجری و عدم وجود توصیه های بی دردی به شبکه یک و دو نیز است. بیامد برای بعد.

نویسنده: فریدون احمدی، مدیر تولید: حسن نوایی، مدیر تولید: بشکوف (خبرنگار)، مدیر تصویربرداری: خسرو خورشیدی، مدیر تولید: جلالی (داخل کشور)، رهساز: روح الهی علی، مستعدان: محمدحسین قانع، طراح صحنه: لیلیان و گلشن، مستعدان: چهره پردازی: فریبنا کاشانی، برنده اسریم و مستعدان: چهره اش را روی صفحه نشینی صحنه: محبوسه گلشایی، مدیر تدارکات: فخرالدین صدیق شریف، محمد پروستا، رامین نعمتی و مهرچهره.



۱- در بازار داغ انفورماتیک، نرم افزارهای جدیدی اختراع شده اند که به کمک آنها می توان، سرخرام های خارجی و غیرمسلمان روسی کرده و برای مردها رنگش گذاشت و با کاروانشان نرم افزارها می شود همه مشروبات الکلی را به غیرالکلی یا چای و شربت به لیو تبدیل کرد. ۲- خوشبختانه ما قصه نویس های خوبی داریم. می توان فیلم های غیرمادی شده را به آنها داد تا خوب ببینند و دست آرتیستی که وارد کلی می شود، جلبدی بنویسند. مونسورهای خوب هم داریم که می توانند بر اساس داستان جدید، نماها و سانسو ها را جایگزین کنند. در حال حاضر تقریباً همه کار به صورت ضرب الاجل و غیر حرفه ای و حساب نشده با یک DFS 500

فیلم تلویزیونی چشم به راه، روزهای پایانی ایسان تصویربرداری را می گرداند. طرح، قدرت الله صلح میرزایی، کارگردانی می کند. از تولیدات سینما فیلم است. دست اندرکاران این مجموعه عبارتند از: نویسنده و کارگردان، قدرت الله صلح میرزایی، مدیر تصویربرداری، کاسیمیر کوشان، دستیار کارگردان و برنامه ریز، غلامرضا صفایی، مدیر تولید، کمال طباطبایی، طراح صحنه، بهمن زاغیان، مدیر تدارکات: علی اصغر احدی، طراح چهره پردازی، مریم شکرایی، اجاره مصطفی مسجدی، ناآزین محمدزاده، محمدی رحمانی، منشی صحنه و دستیار دوم، فریده کلهر، گروه تصویربرداری، رامین نعمتی و مهرچهره.

نویسنده: فریدون احمدی، مدیر تولید: حسن نوایی، مدیر تولید: بشکوف (خبرنگار)، مدیر تصویربرداری: خسرو خورشیدی، مدیر تولید: جلالی (داخل کشور)، رهساز: روح الهی علی، مستعدان: محمدحسین قانع، طراح صحنه: لیلیان و گلشن، مستعدان: چهره پردازی: فریبنا کاشانی، برنده اسریم و مستعدان: چهره اش را روی صفحه نشینی صحنه: محبوسه گلشایی، مدیر تدارکات: فخرالدین صدیق شریف، محمد پروستا، رامین نعمتی و مهرچهره.

نویسنده: فریدون احمدی، مدیر تولید: حسن نوایی، مدیر تولید: بشکوف (خبرنگار)، مدیر تصویربرداری: خسرو خورشیدی، مدیر تولید: جلالی (داخل کشور)، رهساز: روح الهی علی، مستعدان: محمدحسین قانع، طراح صحنه: لیلیان و گلشن، مستعدان: چهره پردازی: فریبنا کاشانی، برنده اسریم و مستعدان: چهره اش را روی صفحه نشینی صحنه: محبوسه گلشایی، مدیر تدارکات: فخرالدین صدیق شریف، محمد پروستا، رامین نعمتی و مهرچهره.

راپورت یومیه جشن سینماتوگراف

در این ایام یک طور مخصوصی احوالشان مکرر است، از بابت اینکه چطور شده هر کس از رهایی سینماتوگراف و عملیات این صنعت جفاپیشه کرده، سینماتوگراف را به حال خود رها کرده، مشغول مناظر دیگر شده اند و اگر هم به کسوت نوکرهای تلفزیون درآمده، از آنجا موجب اخذ می نمایند. در این احوالات بوده که میرزا هریزتملی درام الملک آجری از اجله حکمای علم لسان و فیلسوفیا و ایتولویجا و درم والیاقی علوم دیگر فرمودند که مقادیری راپورت از بابت پروگرام های تلفزیونی از قبیل افلام چایزه و کارتون های اطفال صغیر و دیگر پروگرام مکتوبی بفرماید. عرض امتناع امر شد.

□ □ □

«فرخ قاختون» صبیبه سفیرا ما مقادیر متنهایی از ما اطفال شکایت فرموده که هرزوم که این پروگرام در پناه تو را تماشا می دهی، احوالات مخصوص در منزل ایشان داخل شده، اطفال از بابت «مجمگاکا» که آکتور این پروگرام بوده مشاعر و مزاج کرده، چند بار مچروخ شده، بعد از خانمته پروگرام داخل مریضخانه می شوند. و از بابت علم لوح چهار اشکالات و بخصوص مالیخیوا شده، فی الواقع بکران دها و هاتین

دندان گزیده از آنجا بیرون آمد. ضمیمه تپیه بقاعه چند روز شوغری کرده و چه و چه ... حتی یومنا هادا در سینماتوگراف مملکت هیچ آکتورس شوغری نکرده و این رل یک پروگرس عظیم محسوب می گردد.

□ □ □

فسی الیوم هرکس در امورات سینماتوگراف از بابت اجنابت فیلمبرداری نموده، به آکسیونسیون های مختلفه ارسال کرده و چایزه و خلمت اخذ می نمایند. در سته جاریه بقدر چند رژیوسور از این بابت فیلمبرداری کرده اند. یک نفر از رژیوسورها که از این بابت فیلمبرداری کرده میرزا رفیع خان رژیوسور است که والده ایشان یک بانوی مکریمه بوده و در ترقیبات و ریاست امورت جمیله فیلمها داخل است. فیلم فصل پنجم را میرزا رفیع خان از روی چند پرده پس امیرزا بهرخان رژیوسور که از اجله رژیوسورها تیارت و سینماتوگراف است درست کرده و فی ایوم در مملکت اسلام هیچکس بطور میرزا بهرخان در کنایت پس و مکالمات فیلم و تیارت باخر داخل نبوده و مدرس فاکولته هم بوده. امیرزا رفیع خان؟ از بابت فیلمبرداری به قراه «ایمانه» در محال کاشان رفته، آنجا از بابت رهایی دها و هاتین



داخل قانطه مثل سنوات سابقه کوبن بابت ماکولات و مشروبات دانه
کس از چمکت منورالکتر شرب می فرمود. و شرب قهوه فرنگی از بابت مکتوبات منورالکتران بسیار قایده دارد.

این پروگرام در پناه تو از افلام جاریه تلفزیون بوده که در آن یک نفر ضمیمه محجبه که در فاکولته فنون جمیله و صناعت مستطرفه درس خوانده به عقد یک نقاشیاتی مریض احوال درآمده و چون داخل زندگی شده قهیده ک ضمیمه عقیم بوده و آترا طلاق داده، اشک فراوان ریخته و احوالشان مکرر شده، یک نفر از اهل شباب که از بابت جمال شیبیه یوسف مصری و از بابت کمال به مثل افلاطون و از بابت اخلاقی هیچ تپیه و مثل و مانند نداشته و از یوم اوکل دل در گرو ضمیمه داشته، بند از آنکه طلاق گرفته، قصد مزواجت نبوده، آما ایوبی گرام که وکل بوده در امورات آنها مداخله کرده و چه و چه و چه ... و یومنا هادا هر چا که رهایی مملکت می رود، از این بابت مذاکرات کرده، داخل ماجرا می شوند.

□ □ □

این همما خاستون آکتورس که از آکتورس های کبیره سینماتوگراف مملکت بوده و سابقا در تیارت مشغول بوده، در یک فیلم داخل شده که از بابت صنعت فیلمبرداری و پروده کسیون مثل و مانند ندارد. رژیوسور آن مجیدخان مهتاس رژیوسور است که فیلمبرداری از امورات درام نبوده و نسوان محترم را تماشا می دهد.

□ □ □

«هما خاتون» رل یک ضمیمه را آکتوری کرده که شوهرش تاجر کلجری بوده که هر فعلی فیح و شینج را امرتکب شده، داخل امورات نکرده و حرام گردیده، محبوس شد. ضمیمه برای ملاقات داخل جشن رفته، سر پنهان بر او آشکار گشت. دست غفلت به

می ریختند. سؤال شد: چطور شده که میرزا احوالش دگرگون شده؟ هیچکس داخل ماجرا نبود. میرزا بپوش آمده، فرمودند که گویا از بابت مشاهده فیلم مرئی شبیه باران احوالشان متغیر شده، با آقا داخل سالون رفته، تنه فیلم را تماشا کرده.

□ □ □

در فیلم یک نفر از عساکر اسلام اسیر کفار اجنئی شده و چون از رؤساء لشکر بوده و اسرار می دانسته، ناشی را هیچکس نفهمیده. و بطور مجانبین افلام مخصوصی از خود صادر نمود. در این فیلم میرزا ابوالفضل خان آکتور که از آکتورهای محبوب بوده و از بابت جمال و امورات محیر العقول و دیگر مجانبین و سفاهات را آکتوری کرده. هر کس در سالون اعتراض و دعوا کرده، ممکن بود که نمودنتراسیون بشود.

□ □ □

در سته جاریه هر کس که خواسته یک پرده پس از بابت سینماتوگراف مکتوب نماید باید یک دفترچه مخصوص را که «میرزا حیدرخان قره‌المنین» رئیس سابق اداره سبزی وزارت هدایت عوام الناس منتشر کرده خواند. و از بابت همین دفترچه بوده که فیلهای محیر العقول به مانند متهم، سرحد، عقرب، لادشیت، شب رویاه، ارايه مرغ، اعاده امنیت را پروده آکتوری کرده اند. هر یک فیلم از اینها ترواسته که یک نفر قرض حاصل را مجنون نماید.

□ □ □

در امورات سینماتوگراف مملکت

یکی از کرامات دهمیرزا محمدحسین خان، این بوده که هر فیلم که رژیوسوری کرده بدو از فیلم سابق بوده و یک فقره موبایل داشته که دائم با آن مکالمات می فرماید.

این که چطور شده که این مهر و عطوفت در دل این دو رجل غیرتمند داخل شده، از اسرار نامکتشف بوده.

□ □ □

هر چه ایام جشن سینماتوگراف می گذرد، ما که رئیس الکتاب بوده و از اعلازم کاتبیان چراغد سینماتوگراف محسوب شده، بیشتر محزون شده، چشمانم به آب تر می شود. ممکن که بکچره به رحمت ایزدی برسم.

طرف عصری با میرزا هریزتملی درام الملک که از محبان امیرزا مسعودخان طهرانی و رژیوسور که از بیابت الوات فیلمبرداری می کند، بوده، داخل سالون شده فیلم سلطان را رؤیت نمودیم. در فیلم یک نفر الوات بوده که بطور مرادنگی یک دوشیزه جمیله را مموئت کرده و سر آخر یک نفر مرد آشپز را که عمارات طویل درست کرده، مقنون نمود. رژیوسور از ترقیبات مملکت و رئیس بلندی طرفداری فرموده و از بابت پروگرس در امورات عسمران و امورات میشت یک مکالماتی فرمود. فیلم را تماشا کرده و از بابت آن مشغوف شدیم.

□ □ □

دیگر هر فیلم که در جشن سینماتوگراف بوده تماشا کرده، محظوظ شدیم. هر کس منتظر بوده جزاژ جشن سینماتوگراف را بین رژیوسورهای مختلفه تقسیم بفرمایند.

□ □ □

تست راپورترنا جشن سینماتوگراف فی بلدهالطهران.

رئیس الکتاب



با حضور فعال در منطقه ویژه اقتصادی سیرجان، شما مجوز «تولید و تجارت آزاد و بین المللی» را در اختیار دارید

اینجا گمرک آزاد سیرجان است ایست

نشانی: ستاد تهران - ستارخان - جنب بل - شماره ۴۱۳ - تلفن: ۵-۸۲۰۷۰۴۳ - فاکس: ۸۲۰۴۸۰۳